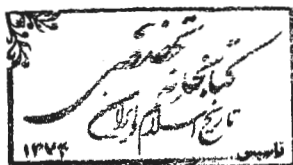


دفاعیات برادر مجاهد

مسعود رجوی

امروز در دنیا دو جناح وجود دارد .
در یک طرف محرومین ، گرسنگان ، آوارگان
فلسطینی و مغرربین وجود دارند و در
طرف دیگر اغتیا ، صاحبان نا بساک
فانتوم و جاه نفث ، ماشینهای جنگی و
کارخانجات عظیم بین اینها هیچ رابطه ،
هیچ تفاهم مطرح نیست ،

شورای جوانان مسلمان شرق تهران



فهرست

- ۱- پیام برادر مجاهد مسعود رجوی از زندان قزل قلعه
- ۲- دفاعیات مجاهد مسعود رجوی در بیدادگاه شاه
- ۳- مصاحبه برادر مسعود رجوی با کیهان
- ۴- پیام مجاهدین به امام خمینی
- ۵- پیام مجاهدین به حضرت آیت الله طالقانی
- ۶- پیام مجاهدین به برادر ابوعمار
- ۷- پیام مجاهدین به دانشجویان دانشگاه مشهد.
- ۸- نامه وحید لاهوتی (فرزند آیت الله لاهوتی)
- ۹- بیانیه کانون زندانیان سیاسی
- ۱۰- نامه پرفسور رضوانی - استاد دانشگاه مشهد

● نمونه کارت پستالهایی که شخصیت‌های عضو سازمان عفو بین‌المللی برای آزادی رجوی خطاب به شاه مخلوع فرستادند

SA Majesté impériale le Shah d'Iran
c/o Son Excellence
l'Ambassadeur d'IRAN
Kirchenteldrasse 30
3000 BERNE



Massoud RADJAVI, licencié ès sciences politiques, arrêté en août 1971, condamné à mort à l'âge de 21 ans par un tribunal militaire; peine commuée en prison à vie par Sa Majesté le Shah d'Iran. Trois chefs d'accusation: participation à:

- 1) tentative manquée d'enlèvement d'un prince iranien,
- 2) détournement manqué d'un avion-taxi,
- 3) appartenance à un groupe d'opposition.

Selon les autorités militaires et la presse iranienne, les deux tentatives manquées ont eu lieu en septembre 1971. Or, RADJAVI était déjà en prison depuis août 1971! Il est donc un prisonnier d'opinion adopté depuis 1973 par Amnesty International.

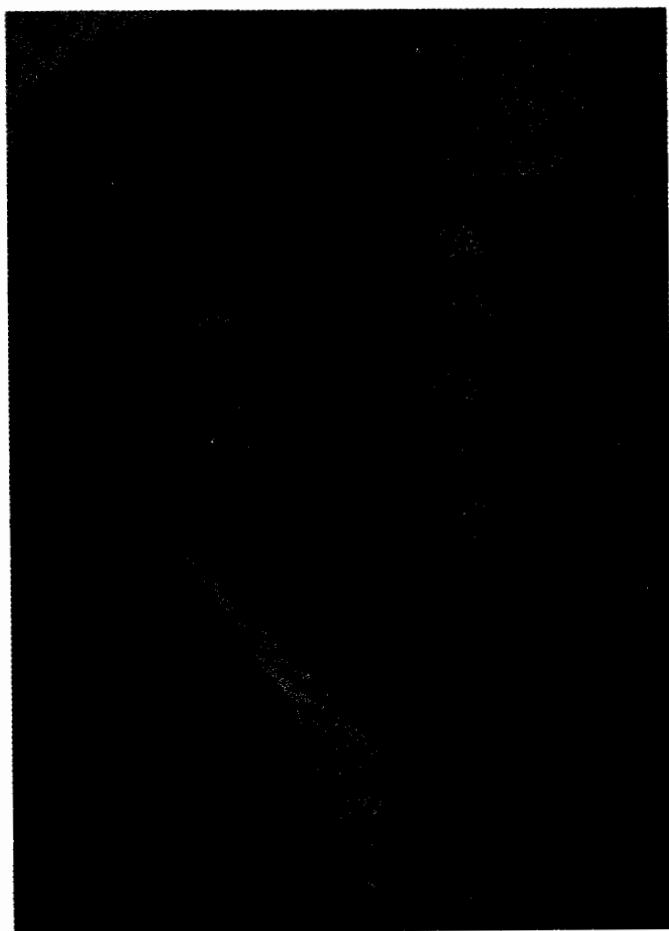
Nous demandons à Sa Majesté le Shah un acte de clémence en libérant Massoud RADJAVI, clémence qui annoncerait ainsi l'ère de la libération de tous les prisonniers politiques iraniens.

Amnesty International

سازمان عفو بین‌المللی
1973 سال نو مبارک
1. انچه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
2. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
3. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
4. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
5. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
6. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
7. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
8. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
9. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی
10. فرجه هیئت مدیره سازمان عفو بین‌المللی

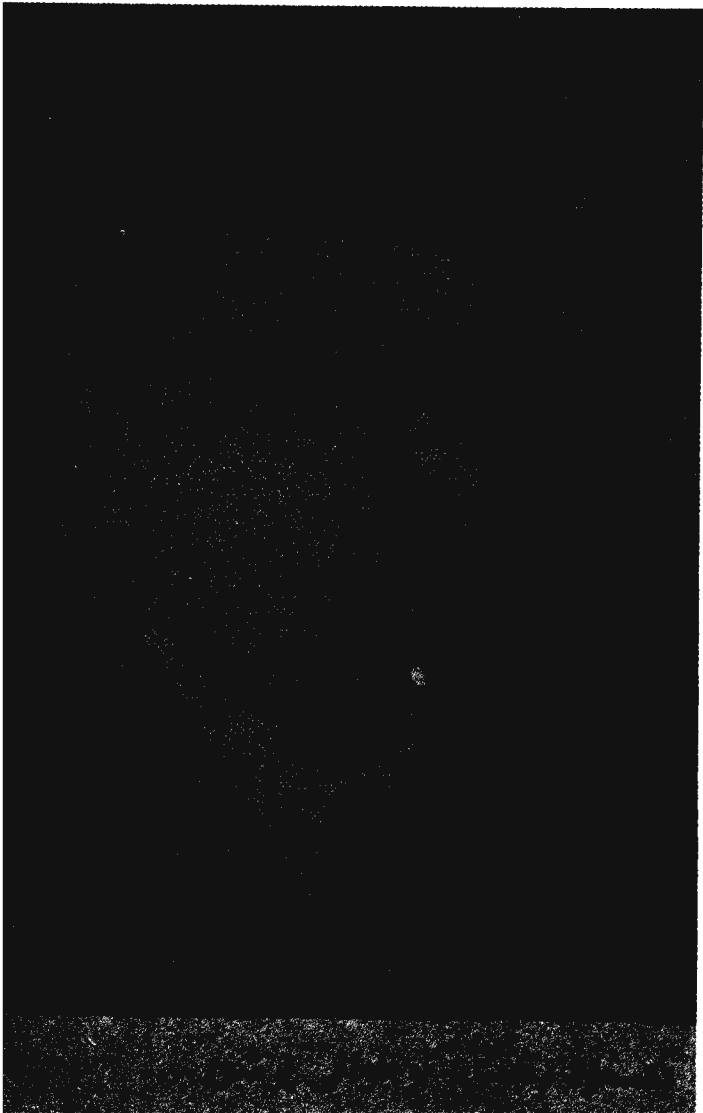


Adresse: Amnesty International



دفاعیات برادر مجاهد مسعود رجوی

دریپدادگاه شاه خائن



بنام خدا
هموطنان مبارز ، رزمندگان انقلابی ،
برادران مجاهد

بعنوان یک مجاهد ناچیز و به اقتضای وظیفه انقلابی و انضباط تشکیلاتی خود را آماده کرده بودم تا ناچیزترین سرمایه خود یعنی جانم را به انقلاب این خلق بزرگ ادا کنم تا پیروصدیقی برای قهرمانان ملی و رزمندگان بزرگواری باشم که با جانبازی و نثار خون خود ثابت کردند که خلق ما تصمیم قطعی را برای نجات خویش گرفته است . تصمیمی که بر اساس آن هر خلقی از لحظای که مرگ را بر تسلیم مرجع میداند پیروزیش مسلم گشته است اما منافع دیکتاتوری حاکم مخصوصاً " درخارج از ایران مرفعلا " از این سعادت جاویدان محروم کرده است و در مقابل دشمن مرادر مظان اتهامی سنگین قرار داده است اگرچه این موضوع مرا بیاد این پیام آسمانی می اندازد که : لنسمعن من الذین اشترکوا ذی کثیرا یعنی از بت پرستان آزار و اذیت فراوان خواهی دید و همچنین

مضمون این سخن یکی از انقلابیون که: برای ما چه یک حزب و ارتش یا فرد هر چه بیشتر در معرض تهمت های ناروای دشمن قرار گیریم مساله این است که او را بیشتر خشمگین کردیم .

لیکن آنچه در این لحظات مهم است تجدید عهد با شهدای بخون خفته خلق است که در آخرین دم لبهای تبارشان را بوسیده و صدای پرطنین قلبشان را که جز بخاطر سعادت و آزادی خلق نطپیده است شنیدم و متفقا " سوگند خوردیم تا پیروزی .

وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب يتقليون (بزودی ستگران خواهند دید که چگونه آنها را در هم می کوبیم) .

۳ تیرماه ۱۳۵۱ زندان قزل قلعه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین دفاع مسعود رجوی

این دادگاه امشب یا فردا شب آخرین شب ماست اگر اعدام نشویم لاقلاً به حبس ابد محکوم خواهیم شد . رفقای من بعلت قلت وقت دفاعی ما که فقط نیم ساعت است بعد از من دنباله متن دفاعیه را در موارد سیاسی و اقتصادی، کشاورزی و تاریخچه سازمان و توضیقات راجع به انقلابیون ادامه خواهند داد . مسلماً این اطلاعات کافی نخواهد بود چون وقت ما اجازه بیشتر از این را نمیدهد . در این دفاعیه بعلت محضورات زمانی و مکانی (تا آنجائیکه شرافتمان اجازه میدهد) حتی المقدور از بردن اسامی و ذکر تواریخ خودداری خواهیم کرد . محمد عسکری زاده ، مهندس بهمن بازگانی و مهندس علی باکری بعد از من همه چیزها را میگویند .

مسئله اساسی سیاست خارجی ماست . به عامل بدبختی اشاره شد . عامل بدبختی من و شما ، بدبختی همهء خلق امپریالیسم بین المللی است . عروسکهای در این ور و آنور دنیا سرکارند که اگر بخودشان بودند یک لحظه روی پایشان بند نبودند . کائوکی ، ملک حسین ، ملک فیصل . بنده یک لحظه هم اسم رژیم را نمیآورم . این روزها یک فریب بزرگ

بخاطر حفظ تجاوز عمومی علیه ناموس کلمات وجود دارد .
کلماتی از قبیل تساوی ، صلح و سازش ، کمک کشورهای بزرگ
به کوچک ، کلماتی از قبیل صلح بین المللی ، تفاهم و سازش
متقابل کشورها و کمک کشورهای قدرتمند به ضعیف که در
نوشته‌های رسمی سازمان ملل آمده است وسیله‌ای برای حفظ
نظم موجود که در واقع چیزی جز تجاوز عمومی نیست شده
است . نه صلح ، نه سازش و نه تفاهم هیچکدام مطرح نیست .
بیائید نه خود را بفربیم و نه دیگران را . امروز در دنیا
دو جناح وجود دارد . در یک طرف محرومین ، گرسنگان ،
آوارگان فلسطینی و مبارزین وجود دارند و طرف دیگر اغنیا ،
صاحبان ناپاک فانتوم ، چاه نفت ، ماشینهای جنگی و
کارخانجات عظیم ، بین اینها هیچ رابطه و هیچ تفاهم مطرح
نیست .

ما به‌اینکه در طرف اول قرار داریم افتخار میکنیم .
ما بجرم خود افتخار میکنیم . ما باینکه دست در دست
چریکها برای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه
میکنیم افتخار میکنیم . به غیر از نبرد یا تسلیم راه دیگری
وجود ندارد . یا نبرد است مثل فلسطین ، چین و ویتنام
یا اسارت مثل خودمان . باید تذکر بدهم که این تناقض
مأیوس کننده نیست . انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود .
روی سخنم به پدر و مادرهایی است که فرزندان شان اسیرند .
این فلسفه هستی است . وجود آنها از بین خواهد رفت ولی

صبح نزدیک است . باید تحمل کرد .

از آغاز سده ، جدید هشتصد میلیون چینی و سیصد میلیون شوروی آزاد شدند . درخاورمیانه آمریکای لاتین غوغاست . امروز در تهران بانگ میزنند ، سفیرایالات متحده در آمریکای لاتین اعدام میشود ، اعتصابات کارگری اسپانیا رافلج کرده است . نهایت درگیری با اتحاد جامعه جدید است . مقاومت کنید . حق و انصاف را رعایت کنید . بخاطر آن درجه های پرارزش حکم غلط ندهید . سلطه امپریالیسم اشکال گوناگون دارد . یکی از آنها سلطه سیاسی است یعنی پرچم زدن و مستعمره کردن . طریق دیگر سلطه اقتصادی است . در این سیستم سر رشته امور اقتصادی در اختیار اجنبی قرارمیگیرد . زیر بنادر روبنا مؤثر است . این روبنای سیاسی تحت تاثیر بربنای اقتصادی است . نمیشود منافع نفت یک کشور را تاراج کنند ولی انسان حرف نزند . انسان وقتی چیزی نداشته باشد با چنگ و ناخن و دندان حساب طرف را میرسد . پس باید مردم را فریب داد . باید مرد را به اشکال مختلف ساکت کرد . ورزش بازی ، کاخ بازی ، کاباره بازی ، و اگر نشد با ساواک و تیرباران و از این قبیل . امروز دادستان و ما هر دو به "حق" استناد میکنیم . آقای دادستان میگویند مصادره بانک و سرقت برخلاف قرآن است . می پرسم کدام قرآن؟ قرآن را عوض کرده اند چون منافی منافعشان بود و نمیتوانستند آنرا از بین ببرند

عوضش کردند. در قرآن آمده که هر کس تا آنجائی مالک شیئی است که خود برای آن زحمت کشیده باشد. این چیزی است که مارکسیسم و سوسیالیسم انقلابی هم میگوید و ما تا آنجا مخالفتی نداریم. حال به عقب برگردیم و عملکرد کارمان را ببینیم. به بینیم تاریخ چه میگوید. تاریخ استقرار سلطه خارجی در ایران از بی کفایتی اولیای امور شروع شده است. در قرن گذشته روس و انگلیس آمدند و ایران را تقسیم کردند. عده‌ای از رجال طرفدار روس بودند و عده‌ای طرفدار انگلیس. یک قرضه بانک روس منتشر میکرد و یک قرضه بانک انگلیس. در ۱۹۰۷ که این قرارداد ننگین بسته شد ایران بدو قسمت تقسیم شد. بعد از انقلاب کبیر تمام امتیازات استعماری تزارها از بین رفت. دولت شوروی بانک و پولها را تفویض کرد و رفت. تنها انگلیسها ماندند. با انقلاب سوسیالیستی خطر برداشتن اختلافات طبقاتی احساس شد و انگلیس ایران را پایگاهی علیه اولین دولت شوراها قرار داد و آنرا از لحاظ استراتژیکی مقدم بر هند شمرد. همزمان با اولین استخراجات نفت ایران، کودتای سوم اسفند را ترتیب دادند. نفت ایران بقدری برای انگلیس حیاتی بود که با بسته شدن کانال سوئز لیره انگلیس سقوط کرد. بقول مصدق فقید طرحی که انگلستان اجرا کرد خیلی ماهرانه بود. اولاً تشکیل ایران واحد بود. یعنی با سرکوب قدرتهاى محلی مانند شیخ خزئل و جنگلی که تجربه تاریخی

گرانبهای برای ملت ایران است و تصفیه اسماعیل آقا در آذربایجان ، اساس یک حکومت مقتدر ریخته شد . حکومت مقتدری برای حفظ سلطه انگلیس . حکومتی که فایده آن برای دولت انگلیس بعد از جنایت شهریور ۱۳۲۰ روشن شد . بعد از سرکوبهای لازم ، بعد از تبدیل مجلس به یک ابزار بی‌اراده و ایجاد ثبات لازم بالاخره در سال ۱۳۲۲ مسئله اصلی یعنی نفت مطرح شد و قرارداد ۱۹۳۳ بسته شد . مثل پارسال اول تبلیغات و میتینگ بود و بعد امضای آقای تقی‌زاده پای قرارداد تمدید شد یعنی به قرارداد داری که ۶۰ سال بود ۳۰ سال اضافه شد . ثانياً با توجه به مسئله استقلال‌طلبی عراق که ممکن بود باعث بالا گرفتن جنبش مردم شود طبق این قرارداد اگر وضع عراق عوض میشد . منافع انگلیس ثابت میماند . از این سالها میگذریم . در شهریور ۱۳۲۰ تمام ایران زیر سلطه خارجی رفت . بعضی از افسران با چادر در رفتند و ایران فقط ۳ ساعت دوام آورد . جنگ دوم هنوز تمام نشده بود که طرح تجزیه ایران دوباره توسط انگلیس و آمریکا ریخته شد و دولت شوروی آنزمان بسرعت طرح را رد کرد . این قرارداد توسط دولت حکیمی بسته شد و آیا وقتیکه نخست وزیر ایران طرح تجزیه کشور خود را بریزد ماحق نداریم بگوئیم که تابع ملت و خلق ایران هستیم و نه دولت ایران؟ این طرح با مجاهدات طاقت‌فرسای دکتر مصدق رد شد . تا آدم خودش در فشار

نباشد نمیفهمد فشار یعنی چه ، تهدید یعنی چه . وقتی این طرح رد شد ، معاون وزارت خارجه شوروی در مورد امتیازات نفت گفتگوهائی بعمل آورد . چون دولت شوروی جوان بود و از دولت انگلیس وحشت داشت و از طرفی دولت انگلیس بخاطر امتیازات نفت خود در جنوب حاضر به معاملات درباره نفت با کوو و ققاز بود برای همین نخست وزیر وقت ساعد (که) به سفیر روس وعدههائی داده بود ولی ملیون بیکار نشستند و با کوششی زیاد ماده گذراندند که ضمن آن جلوی سلطه شوروی گرفته شود و دادن هرگونه امتیاز بهرنحوی مسکوت گذاشته شد و به موافقت بعدی مجلس موکول شد . با اینهمه امپریالیسم از جان ملت فقیر دست برداشته و در سال ۱۳۲۹ رزم آرا را از ستاد ارتش به کرسی نخست وزیری نشاند . رزم آرا در لباس ظاهر فریب خود مختاری ولایات در امور داخلی این لایحه را به مجلس برد . وظیفه دیگر این خون آشام این بود که لایحه مربوط به نفت را بمجلس ۱۶ برساند . باز هم ملیون که رهبری آنها رادکتر مصدق بعهده داشت پس از مشاجرات و مباحثات و زحمتهای زیاد توانستند آنرا در نطفه خفه کنند و جلوی سلطه خارجی را بگیرند . قرارداد منتفی شد و چندی بعد سپهبد رزم آرا به انتقام بازی کردن با سرنوشت یک ملت به قتل رسید .

برگردیم به نفت

اوضاع داخلی مملکت بعلت رشد سیاسی مردم تب و تاب دیگری داشت . بعد از شهریور ۲۰ مصدق نفت را تبدیل بیک شعار و انگیزه ملی کرد . صفوف مردم رامتشکل و شعله‌ها را فروزانترکرد . بعد از مجلس ۱۵ نمایندگان واقعا مجاهدت کردند . شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس که در واقع نماینده دولت انگلیس بود از تطمیع نمایندگان گرفته تا حبس آزادیخواهان از هیچ چیز فروگذار نکرد . حتی طرح آنچه که امروز "اصلاحات ارضی" است در آنزمان بوسیله تقسیم املاک سلطنتی ریخته شد . مسئله ظاهر فریب تقسیم املاک سلطنتی برای فراموش کردن مسئله نفت از اذهان طرح شده بود . با اینهمه نفت همچنان در مرکز افکار مردم بود . نان درتهران قحط شد . سرانجام اراده خلق را خود را پیش برد و در ۱۳۲۹ نفت ملی شد .

آنروز طعم پیروزی مردم چشیده شد . بعد از آن روزهای پرافتخار دیگری در پیش بود . پیروزی بر انگلیس در مورد نفت و دیگر روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ روز تجلی اراده خلق . در آن روز خلق بر ننگ تسلیم پیروز شد . البته در آتیه از این روزهای طلائی بسیار خواهیم داشت . باید گفت که مشروطه برای مدت محدودی دوام آورد در ۲۸ که سال و ماه آنرا نمیگویم مشروطیت بخاک سپرده شد . شکست نهضت بحکم تاریخ ضرورت داشت . احتیاجی نیست که من سیاست

دولت مصدق را روشن کنم او نمیخواست هیچ سلطه برکشور
ما برقرار باشد. از نظر اقتصادی اولین و آخرین بودجه
متعادل را به مجلس تقدیم کرد. برای اولین بار صادرات
با واردات برابری میکرد. بهر حال آنروز گرم نابستان به
سیاهی و سردی تبدیل شد.

وضع سیاست خارجی تبدیل شکل داد. از ابتدای
قرن اخیر بعلت نابسامانی وضع اقتصادی و مبارزات
ایدئولوژیک مخصوصاً "انقلاب کبیر" آگاهی سیاسی مردم
جهان بالا رفت. دو جنگ تجاوزکارانه که صرفاً بخاطر منافع
استعمار بود در این امر کمک زیادی کرد. در این جنگها کمربند
دو امپریالیسم قدار شکسته شد. انگلیس و فرانسه، الجزایر
و ویتنام آزاد شدند. در مستعمرات هرروز جنبشی تازه
در میگرفت و ضرب المثلهای "آفتاب هرگز در انگلستان
غروب نمیکند" و "هر جا موجی باشد ساحلش انگلستان
است" از بین رفت. بقول یک انقلابی بعد از جنگ آنچه
باقی میماند در مجموع و بطور کلی بنفع نیروهای مترقی است.
خود جنگ افروزها بیشتر از جنگ هراس دارند. علت بکار
نبردن ترس از تلفات نیست، چیز دیگریست.

در پایان جنگ امپریالیسم ناجوانمرد دیگری بروز
کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت. این کشور استعمار طلب
ایالات متحده آمریکا بود که اکنون در ویتنام برای کائوکی
سینه سینه میزند و در ممالک دیگر پشتیبان ارتجاع است.

در ایران (بمن میگویند راجع به آمریکا نگو - همین تناقضات که بین رجال است نشانه ریاست) کار بجائی کشید که آمریکا طلب سهم خود را میکرد. اشتباه دولت وقت (مصدق) عدم توجه بماهیت امپریالیسم آمریکا بود. آمریکا تمام سهم نفت عربستان سعودی را بخودش اختصاص داده بود و در مورد ایران هم نقشه مشابهی داشت. این بود که مسائل بآن روز کشید که نباید بکشد. ابتدا شوارتسکف آمد ایران و بعد شاهزاده خانم ایرانی و... زاهدی و شعیان جعفری با هم کودتا کردند. دیکتاتوری نظامی دوباره با شدت بیشتر ادامه یافت. شکنجه و تیرباران قهرمانان آغاز شد. دکتر حسین فاطمی با ۴۰ درجه تب بعد از تحمل شکنجه‌های طاقت فرسا بیای چوبه دار برده شد، کریم پور شیرازی زنده زنده سوزانده شد. روزبه از قهرمانان شرافتمند تیرباران شد. از این پس سیل مستشاران از ایالات متحده به ایران سرازیر شد. تمام کمکهای خارجی بجز تجاوز چیز دیگری نبود.

یکی از آقایان دادرسان خوابیده است (خنده حضار) بهر حال از نظر اقتصادی بزودی واردات به هفت برابر صادرات رسید. تحت تاثیر سلطه خارجی تورم ایجاد شد بطوریکه در سال ۱۳۳۶ ریال ۱۲۰٪ تنزل کرد ولی دلار بالا رفت.

رئیس دادگاه - "به کیفرخواست مربوط نیست".

... وقتی آنها از آسیاب افتاد و مخالفین سرکوب شدند یک مجلس فرمایشی تشکیل شد گونی‌گونی شناسنامه‌ها پیدا میشدند بدون آنکه شمرده شوند. قرارداد معروف به ۵۰ - ۵۰ پر از وعده‌های توخالی موفقیت و پیروزی و خیلی چیزهای دیگر. بعد از تصویب این قرارداد در مجلس فرمایشی وقت تمام بافته‌های نهضت وقت پنبه شد. باز جریان نفت به پشت درهای بسته کشیده شد چرا که در پشت درهای بسته بهتر میشود خیانت کرد. در جرائد صحبت از "رهبری خردمندانه" بود. رئیس مهم این قرارداد اولاً بخاطر عدم شمول بر خلق ایران، برسمیت شناختن ملی شدن نفت بود. عین شیر بی‌یال و دم. یک شرکت نفت ساختند که مظهر این ملت باشد ثانیاً آمدند اداره امور اکتشاف و استخراج را بطور کامل فنی از کنسرسیوم جدا کردند. شرکت اکتشاف و استخراج در عوض ۵ شرکتی که کنسرسیوم از آنها تشکیل شده بود شروع بکار کرد. شرکتهای تشکیل دهنده کنسرسیوم تجاری بودند که در هلند طبق قوانین هلند با سرمایه صد هزار لیبره به ثبت رسیده در این شرکتهای تقسیم سهام به این ترتیب بود: ۴۰٪ انگلیس - ۴۰٪ شرکتهای مختلف آمریکائی ۱۴٪ فرانسه و بقیه هلند. سهم ایران از

نفت یک هشتم قیمت تعیین شده اعلام شد . از نظر مالیات مطابق ماده . . . قانون مالیات بر درآمد ۵۰٪ بعنوان مالیات بدولت داده میشود و کنسرسیوم ۵۰٪ بقیه را صاحب میشود . تاسیسات خطی که از قصر شیرین شروع و به بلوچستان ختم میشود به ایران تعلق گرفت در مقابل وظایفی بعهدہ دولت ایران گذارده شد . اولاً انجام خدمات فرعی غیر وابسته به نفت (ساختن بیمارستان ، نانوائی ، پرداخت بیمه کارگران) و مخارج دیگری که قبلاً به عهده شرکت نفت سابق بود . ثانیاً بخش نفت در ایران که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است . ثالثاً " اداره نفت شاه " تا بحال استعمار انگلیس در کار بود و حالاً برادر بزرگش آمریکا وارد میشد و در کنارشان فرانسه و هلند که همه دستجمعی علیه منافع این مملکت اقدام کنند . در مورد سهم ایران که یک هشتم یعنی دوازده و نیم درصد قیمت اعلام شده بود طبق قانون ۵۰ - ۵۰ آنرا در ۵۰٪ سود گنجانند یعنی سهم مالیات ۳۷/۵ درصد میشد و باین ترتیب کلاه بزرگی بر سر ملت ایران گذاشتند . مهمتر از همه قیمت اعلام شده نفت ۲/۱۲ دلار بود که سهم ایران را براساس ۱/۷۹ دلار حساب می کردند بعد از غوغای تبلیغاتی نفت تازه سهم ایران شد ۱۲/۵ . یعنی رسیدیم به قبل از سال ۳۱ . علاوه بر اینها قرار شد که ۱۲٪ بهره مالکانه و ۶/۵٪ تخفیف قانونی نسبت به قیمت نفت بایران تعلق بگیرد که ۶/۵٪ را دارد . بعد از سقوط لیره انگلیس چند

میلیون دلار بابت سهم نفت خود ضرر کردیم که نمیدادند که بالاخره دادند البته رسیدگی به دفترها را معلوم نیست چه کسی انجام داده است. ما چه میدانیم که کارشناسان و مستشاران چقدر حقوق میگیرند چون موضوع به کیفرخواست مربوط نیست. وقتی صبح روز دادگاه به آدم خبر محاکمه را میدهند اینطوری میشود. ورقه‌ها ناپدید میشوند.

اکنون نفت ایران با سرعت بیشتر بغارت میرود. میخواهند قبل از پایان قرارداد ثروت خلق را به تاراج بدهند. ذخائر نفت ایران در سال ۱۹۸۷ به پایان خواهد رسید. کل تولید نفت ایران ۲۲۷ میلیون تن است حساب کنید به هر کس چقدر میرسد. کل درآمد از هر تن نفت ایران برای ایران ۱/۳ دلار از ۱۰ دلار بوده است. همین نفت در بازار اروپا ۱۴ دلار بفروش میرسد. اگر مخارج نفت را برای هر تن ۴ دلار بگیریم یک میلیارد و هشتصد و بیست و پنج میلیون دلار یعنی ۱۴/۴ میلیارد دلار تعیین میشود آقای دادستان این ارقام را حساب کنید نه ارزی را که برای مسلسل‌های ما که اینهمه از آنها عکس گرفته‌اید خارج میشود. اشاره میکنم به جریان‌ات پارسال نفت، چه جنجالی درباره پیروزی ایران در اوپک برپا شد. الان با عدد ثابت میکنم که چه بدست آمده است. قیمت نفت بطور کلی ۳۳ سنت در هر بشکه افزایش یافته است و مالکیت سود ویژه از ۵۰٪ به ۵۵٪ افزایش یافته است. اولاً بر اثر جنگ ویتنام، بر اثر تورم که بصورت

بمب بروی مردم ویتنام ریخته میشود تا بیست در صد افزایش برای تورم پول پذیرفته شده است. در فاصله ده سال بین دو قیمت گذاری دلار ۲۷٪ کاهش یافته است. اگر میخواستند قیمت را ثابت نگهدارند باید قیمت بشکه را ۵۴ سنت اضافه میکردند. این سیر فقهی است نه ترقی لیبی سهم خود را از ۲/۰۸ دلار رساند به ۳/۴۵ دلار. طبق آمار بین المللی تورم واقعی سالانه ۹٪ است در حالیکه روزنامه های ایران آنرا ۵/۳٪ گزارش میدهند (اطلاعات و کیهان). روی سخن ما به خبرنگاران نیست. ما میدانیم کار از جای دیگری خراب است. در لیبی دولت در کلیه مراحل تولید شرکت دارد. در ایران این مسئله هنوز حل نشده است. لیبی قرارداد ۵ ساله را به شرطی قبول کرد که کمپانیها پول را از کشور خارج نکنند و دوباره در لیبی سرمایه گذاری کنند. در ایران برعکس عمل میشود. با اینهمه اجزای سهم ایران دو میلیارد است ولی آنرا چطور خرج میکنند. یک مقدار در شرکت نفت خرج میشود. دختر سناتوری را میشناسم که سر ماه از شرکت نفت پول میگیرد. یک مقدار به جیب سازمان برنامه و مستشاران آن میرود. پروژه سازمان سد دز که سازمان برنامه به آن مفتخر است با دستگاههای الکترونیک ساخته شده است و بکار میافتد و کارشناسان آن اغلب خارجی و با حقوق سرسام آوری مشغول بکار هستند. حتی وسائل تعمیر این ماشینها در ایران موجود نیست. اگر یکی از این دستگاهها

از کار بیفتد یا باید آنرا عوض کنند و یا ببرند خارج تعمیر کنند . نتیجهٔ سد را که برق است سرمایه‌داری با اسم آقای هاشم نراقی با کمک خارجیها به مردم میفروشد و سودش را به جیب میزند .

دکتر مصدق فقید بیاری مردم برای گذراندن طرح ملی شدن نفت روی کار آمد . برای اجرای همین قانون بود که مردم حکومت را به مصدق سپردند و این تنها حکومت قانونی بود که در ایران بوجود آمد .

رئیس پس از نیم ساعت تنفس دادگاه به دفاع شما در جهت رفع اتهام گوش میکند .

... از ۲۸ مرداد و از کشتار بعدش میگذریم و بعد از این جریانات دست چپاوی برای غارت ملت ایران باز میشود . عواید نفت تا آخرین دلار صرف تهیهٔ اسلحه و مهمات و حقوق مستشاران خارجی میشود . صدها میلیون دلار به جیب شرکتهای خارجی می‌رود . آرامش مدیر سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روزنامه اعلام کرد که صدها میلیون دلار به‌عناوین مختلف حیف و میل شده است .

و عده شده بود که ایران با پول نفت بهشت میشود . ملت ایران فقیر و فقیرتر میشوند . در جواب اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه ۲۰۰ نفر کشته شدند . در اعتصابات معلمین

دکتر خانعلی کشته و عده دیگری مجروح شدند . قاتلین مردم ارتقاء درجه یافتند . قاتل خانعلی به ریاست شهربانی یکی از شهرستانها منصوب شد . معلمین و کوره‌پزچیه‌ها فقط اضافه حقوق میخواستند . وقتی رژیم جواب خواسته‌های قانونی مردم را اینطور می‌دهد آیا میشود ساکت نشست و دست به اسلحه نبرد؟

در سال ۱۳۳۶ قانون تشکیل ساواک از مجلس گذشت. ساواک مامور حفظ "امنیت" و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن دکتر امینی مجدداً اختناق بحدی بود که هر آن احتمال انفجار میرفت. دکتر امینی در زمان صدارت خود گفت خزانه را برده‌اند، چاپیده‌اند. سپهد کی‌ا، رئیس شهربانی علوی مقدم و دکتر اقبال قرار بود به محاکمه خوانده شوند. دکتر اقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و در مراجع قضائی دادگستری اتهام زدوده شد. دکتر اقبال برگشت و در بزرگترین مرتبه اقتصادی کشور قرار گرفت. اتهام میزنند و پس میگیرند. مثل اینکه کار مملکت حساب ندارد.

دکتر امینی می‌آید و جبهه ملی و نهضت آزادی و مجلس ۱۹ و ۲۰ را پیش میکشد. دکتر امینی می‌رود و مجلس را می‌بندند. جبهه ملی کنار می‌رود. دانشگاه خواستار کسب اجازه تشکیل اتحادیه صنفی میشود. خواسته‌های دانشجویان رد میشود. رئیس دانشگاه دکتر فرهادا استعفا میدهد. دولت‌ها

می‌آیند و می‌روند و سرنیزه‌برجا و استوار میماند . برای مبارزه با این خفقان عمومی روحانیتکه ۵۰ سال کنار کشیده بود وارد صحنه شد . در قم شورشی بپا شد . طلبه‌ها با کارد به پلیس حمله کردند و دو نفر کشته شدند . تحرک همه‌گیر میشود . روحانی اعتراض می‌کند . بازاری اعتراض میکند . دانشجو اعتراض میکند در نتیجه واقعه ۱۵ خرداد روی میدهد بعد از ۱۵ خرداد چند نفر نظیر حنیف نژاد و علی اصغر بدیع زادگان معتقد میشوند که با منطق و دلیل نمیتوان حق را گرفت . اینها به نهج البلاغه استناد می‌کردند که باید حق را گرفت روز ۱۶ آذر دانشجویان اعتصاب کردند . از این بعد مرتب گروههایی با ایدئولوژی انقلاب مسلحانه بوجود می‌آیند . منصور ترور میشود . بیژن جزنی گروهی تشکیل میدهد . پاک نژاد گروه فلسطین را تشکیل میدهد . اتهام میزنند که این گروهها با بختیار ارتباط دارند . ما بختیار را جزو این رژیم میدانیم و اختلاف او را با رژیم قبول نداریم . از گروه طوفان ۴۰ نفر را میکشند . گروه آرمان خلق کشف میشود . در زندان قزل قلعه ناصر مدنی و ناصر کریمی و بهرام طاهرزاده اعدام میشوند .

بعد از اینها اواخر سال ۴۹ و در سال ۵۰ گروهی چریکی بنام ، چریکهای فدائی خلق " که تحت عنوان گروه "سیاهکل" شناخته شدند وارد گود میشوند که فعالیتهای آنها هنوز ادامه دارد . نهضت " مجاهدین خلق " و " سازمان

رهائی بخش خلق" که به عراق چسبانانده شدند کشف میشوند . و دهها گروه دیگر که انشاءاله کشف نشده‌اند . اینها نشان میدهد که وضع طوری است که راه دیگری وجود ندارد و حرف یکنفر و ده نفر نیست . صدها مهندس که مارک جهالت به آنها نمی‌چسبد در این راه‌اند . مهندس هوشمندماهی ۱۶ هزار تومان حقوق میگرفت . پس مسئله شخصی نیست . در سال ۴۰ حداکثر اعلامیه پخش میکردند ولی امروز در سال ۵۰ مسلسل بدست میگیرند . موج مبارزات خاموشی نگرفته و بلکه شدیدتر هم شده‌است . کشف یک گروه نباید باعث ناراحتی بشود . پیروزی ساده و زود بدست نمی‌آید . حضرت علی میگوید : "خداوند هیچگاه گردنکشان روزگار خود را نابود نمیکند ، بآنها مهلت میدهد که اگر برگردند بیشتر فروروند و مردم را مجری عدل الهام میکند هیچ ملتی را پیوند نمیدهد مگر بعد از سختیها و گرفتاریها خطبه آوردم که نگویند اسلام را ملعبه دست خود قرار داده است . از ریختن خون یکنفر صدها نفر مثل او برمیخیزند . سال ۱۳۵۰ سرآغاز این مبارزه است . سالی است که مبارزین ملت مبارزات مسلحانه جنگلهای توده‌ای در روستا را تنها راه نجات میدانند . ویتنام ، فلسطین و آمریکای لاتین چنین راهی را قبلا انتخاب کرده‌اند . گروه سیاهکل با دادن ۳۲ شهید ، ۶ محکوم به اعدام و دهها زندانی پیش‌آهنگ‌این راه بزرگ بوده است . به موازات اوج گیری مبارزه و پیدایش

گروههای مسلح رژیم بیش از پیش دست بدامن بیگانه‌شده است. دست سرمایه‌داران بیش از هر موقع در ایران باز است و با تشویق و تضمین سرمایه‌گذاران در توسعه صنعتی، معدنی و کشاورزی ایران را بهشت سرمایه‌داری خوانده و آنان را با خاطر حفظ منافع کنونی‌شان به نگهداری رژیم‌کنونی تشویق میکند. باین حراج ثروتهای ملی کشور و بهره‌کشی از منابع انسانی چه نامی میشود داد؟ پیوند طبیعی کشورهایی که دارای زمینه‌های مادی و فرهنگی مشابهی هستند مثل کشور ما و فلسطین باعث ایجاد زمینه‌های مشترک انقلابی میشود و برای همین است که رژیم ایران از تاثیر نهضت آزادی بخش ظفار و انقلاب فلسطین در سواحل و شیخ‌نشینها در مملکت ما میترسد و میکوشد بصورت پایگاهی مطمئن برضد این جنبشها به جامه زاندارم منطقه‌ای درآمد. در سیستان در فارس و در زابل حمامها دو ماه دو ماه تعطیل است. مردم بچه‌هایشان را میفروشند. فقر و گرسنگی در حدود ۵۰ هزار نفر از سیستان را فرار داده است. می‌بینیم که بودجه دفاعی کشور ۴۳٪ افزایش یافته است. (۱۱٪ بودجه دفاعی فعلی اضافه شده است) با ترویج فساد سرمایه‌داری غرب و اشاعه افکار لابی‌گری از طریق انتشارات و مطبوعات کثیفی مانند زن روز اطلاعات هفتگی و ایجاد کاخهای جوانان که با تظاهر آراسته‌شان بجای بالا بردن سطح دانش هرزگی را رواج میدهند جوانان ما را از پرداختن به مسائل اصلی و

مبتلا به خود و جامعه خود و جامعه خود باز میدارد . نصف برنامه‌های رادیو و تلویزیون دربارهٔ روابط دختر و پسر است بجای یادگیری ، عشق بمدرک را رواج میدهند . روزی چندین هزار مدرک صادر میکنند . جهت ایجاد روحیه یاس و از خود باختگی ، خفقان شدید و شدت اعمال میکنند . ساواک میلیونها پول در اختیار دارد . برای دستگیری من ۵۰ اتومبیل مرا تعقیب میکرد . برای دانشگاه کادر مسلح میگذارند . در اداره جات هیچ کارمندی بدون پر کردن پرسشنامه‌های عریض و طویل ساواک استخدام نمیشود و هزار مثال دیگر . هر کجا که برویم با ساواک سر و کار داریم افسران درجه‌دار باز نشسته رانیس حفاظت کارخانجات و ادارات و دانشگاهها میکنند . کارگر روزی ده ساعت کار میکنند و تالب به اعتراض باز کند کتک و شکنجه نصیبش میشود . در شیراز شاهد مکالمهٔ نمایندهٔ بازرسی شاهنشاهی با یک کارگر کارخانه سیمان پارس بودم . از کارگر سؤال کردند خانه دارد؟ رادیو و تلویزیون داری؟ گفت ندارم به زندان درود حواله‌اش کردند .

به پلیس و ساواک در پیدا کردن گروههای مبارزین اختیار تام دادند . آقای ساقی رئیس زندان قزل قلعه میگوید همانطوریکه تا بحال گوسفند میکشید با اینها رفتار کنید . کارگران جهان چیت که برای اضافهٔ حقوق اعتصاب کرده بودند در کاروانسرا سنگی به مسلسل بسته شدند و ۱۲ کشته

دادند . در اردیبهشت امسال به دانشگاه آریامهر و دانشگاه تهران و حتی استادان حمله کردند . ده نفر از دانشجویان را که مشغول بازی شطرنج بودند بدون هیچگونه مجوزی باز داشت کردند و آنها هم متقابلاً اعتصاب غذا کردند . آیه‌اله طالقانی به زابل تبعید شد . محکومیت طولی‌المدت در انتظار دارندگان کتب متضاد با منافع رژیم حاکم ایران است . رژیم چاره‌ای جز شدت عمل ندارد . این نشانهٔ احتضار اوست . متهمین سیاسی در ساواک و اطلاعات شهربانی با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها روبرو میشوند . طبق مادهٔ ۱۳۱ هر کدام از مأمورین متهم را برای گرفتن اقرار شکنجه بدهد مسئول است اگر شکنجه بمرگ بیانجامد مأمور قاتل محسوب میشود . سوزاندن با اجاق برقی ، کشیدن ناخن ، شلاق سیمی ، استعمال بطری تجاوز و انواع دیگر شکنجه‌ها از طریق معمول گرفتن اقرار در شکنجه‌گاه‌های ساواک است . مسعود احمدزاده دو ماه در بیمارستان بستری بود . بیست بار عملش کردند . به عباس مفتاحی تجاوز کردند . مسعود احمدزاده با تشنگ زدن باطوم ، ریختن اسید چنان میسوخت که نهایت نداشت . عده‌ای از متهمین شنوایی خود را از دست دادند . شدت ضربات به حنیف نژاد بقدری بود که استخوانهای پا ، دست و دماغ و گوش او شکسته شد . بهروز دهقانی زیر شکنجه شهید شد . شما تحمل شنیدن اظهارات ما را ندارید؟ ما از رژیم جز این انتظاری نداریم . بامید روزی که ملت خائنین را بدادگاه

بکشاند . مرگ بر آمریکا و امپریالیسم .

درود به مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند .

مسعود رجوی - دنباله آخرین دفاع

قبل از وارد شدن به حرفهای اصلی چند نکته است که باید تذکر بدهم . اولاً مهندس لطفعلی بهبود اسنادیاری دانشگاه پهلوی بر خلاف آنچه در کیفرخواست آمده است در فلسطین دوره ندیده است . ایشان با پاسپورت معمولی چهار الی پنج روز برای ترجمه مذاکرات ما به بیروت آمدند در بعضی از مذاکرات که سری بود من خودم ترجمه میکردم و ایشان حضور نداشتند مسئله راجع به اسلحه و انبار مهمات که در اجاره رسمی مهندس پیروزیان بود در حقیقت ارتباطی با او نداشت و متعلق بمن بود . من در این باره تقاضا کردم که ناصر صادق و محمد حنیف نژاد برای شهادت به دادگاه آورده شوند که راکد ماند . در مورد ربودن هواپیما و مجازات درخواستی هیچ قانونی نیست چون من بعنوان یک دانشجوی حقوق میدانم که ماده عطف به ما سبب نمیشود . در مورد مهندس غروی باید بگویم که اولین بار است که ایشان را می بینم و نمیدانم ایشان چطور به کیفرخواست ربط داده شده است . در مورد اسلحه و مسلسل قسمتی از گفتههای مقام امنیتی که بیشتر مرا عصبانی کرد راجع به ژست تبلیغاتی بیرون رفتن از زور رفتن آن بصورت اسلحه است . من ارزخارج کردم ، مملکت را فروختم یا شما ؟ این هتلهای ، کابرها و

کازینوها مال کیست. اگر خودش ندزدیده پس پدرش دزدیده. باری شما بهتر میدانید. ناصر صادق سوار موتور بود. من دوچرخه داشتم. این رولزرویزها را چه کسی سوار میشود. چه کسانی در بانکهای سویس پول رویهم انباشته میکند؟ بعضی از مطبوعات حقایق را چاپ می‌کنند. آنها را بخوانید. دو مجله "نیشن" فتو کپیه چکهای کشیده شده است. آقای رئیس کریستین دیور در پاریس لباسهای چه کسانی را میدوزند؟ برای ضیافت‌های شب از لاهه گل سفارش میدهند. مصرف کنیاک و شامپانی که از خارج برای وزارت خارجه سفارش داده میشود، سرفیلک میزند. آقای دادستان میگوید دادگاه علنی است. علنی یعنی اینکه وقتی در روزنامه گفته‌های آقای دادستان را چاپ میکند جوابهای مسعود رجوی را هم کنار آن بچاپ برساند. فقط کسانی حق ورود باین دادگاه را دارند که اجازه مخصوص از سازمان امنیت داشته باشند. در روزنامه چرا نوشتند ما رویه اشتراکی داریم و وقتیکه تذکر میدهیم میگویند اشتباه لفظی بود. تازه همین دادگاه را هم بخاطر چشم و ابروی ما تشکیل ندادند. اوج گرفتن جنبش خلق مجبورشان کرد. رادیو عراق اسامی ما را گفت و حقوقدان فرانسوی تقاضای شرکت در دادگاه ما را کردند. الفتح اعلامیه مخصوص انتشار داد و اعتراضهای گوناگون دیگری شد. پس منافعشان ایجاب میکرده است که همین دادگاه را هم برای ما بگذارند. ما با گلوله معامله میکنیم

همانطور که با فرسیو کردیم .

من هفتده سال درس خوانده‌ام و باندازه خودم مطالعه کرده‌ام و میدانم که تقاضای ما قانونی است . در کیفرخواست آمده است ماشین پائی که آنجا بوده است مرده است . کو اسمش؟ کو مدعی خصوصیش؟ کو محل اقامت او؟ میگویند ۵ میلیون تومان از بانک پول گرفته شده است این یک اتهام است و اگر دادگاه علنی میبود میبایست محمد حنیف نژاد و اصغر بدیع زادگان صحبت می‌کردند . چرا حنیف نژاد بنیان‌گذار گروه اینجا نیست . منکه حرف میزنم میخواهم حرفم شنونده داشته باشد . مکرر صحبت برادران ما راقطع میکنند . ما از رژیم پیش از اینها انتظار نداریم . حالا وارد اصل مطلب میشوم .

در دوره رضاشاه اوایل دوره دیکتاتوری یکی از پدیده‌های مهم خشک شدن ریشه رجای واقعی مؤءن میهن پرست است . در جنگ سلاح‌دارای اهمیت زیادی است ولی انسان مهمتر است . رجال واقعی را رژیم یا جذب کرد . یا خریدشان و یا آنها را از کار کنار گذاشتند من و دوستانم از فرزندان دکتر مصدق هستیم که به پول و مقام پشت پا زدیم . ولی مستوفی الممالک‌هایی هم بودند که مثل نیکخواه خریده شدند . اینها بعنوان نصیحت بما گفتند که ما تا چانه در گل هستیم مواظب باشید تا فرق سرتان در گل نروید . اینها تیکه تا فرق سر و چانه در گل رفتند بعدا خیلی تاسف

خوردند که از طرف مردم دست‌رديبه‌سینه‌هايشان خورد آقای دادستان اگر دلشان نخواهد ميتوانند گوش نکنند ولی بدانند که ايشان مامور هستند ولی معذور نيستند . مواظب باشيد فردا وضعتان از اين هم بدتر نشود . هيچکس پشت سپهدآزموده صلوات نفرستاد .

دادستان اعتراض کرد و گفت از باطن و ظاهر من حرفی نزنيد) .

... رژيم اجبارا و برای ادامهٔ حيات لباس عوض کرده است . اصلاحات ارضی و دادن سهام کارخانجات بعنوان پشتوانه به فئودالها ايشان را بيش از پيش متنعم کرده است در واقع با اينکار ميخواستند بورژوا بازی درآرند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد ، بورژوا بازی مد روز بود . کارخانه و کارگران ورشکست شدند . سرمايهٔ مربوط به جهان سوم ميدان تاخت و تاز سرمايه‌داری کشورهای بزرگ شد . گسترش فساد اداری ، رشوه‌خواری و بدبختی مردم از طرف هيئت حاکمه اعمال ميشود ، احتياج به توضيح بيشتر ندارد . زاغه‌ها و حصارآباد تهران را به بينيد . جواديه و نازی آباد را به بينيد . مردم فقير اگر بيمار شوند مجبورند و محکومند پشت در بيمارستان جان بسپارند .

طبق گزارش روزنامهٔ اطلاعات که ارگان بازگو کنندهٔ خدمات مسعوديهاست پشت‌سالن انتظار به بيمارانی برخورد کردند که پنج روز به انتظار پزشک مانده بودند يا بيماران

بدبختی را دیدند که مقابل بیمارستانهای ینا ، امیراعلم در پیاده‌رو ، پله‌ها ، کنار درها بانتظار نشسته بودند . و در معالجه شان شتابی به چشم نمیخورد . مردی سرطانی روزها در انتظار اشعهء ایکس پشت در میماند . این گفتهء روزنامه‌ایست که سرسپردگانش از فرمانبرداران نوکر صفت رژیم هستند . در روساها استثمار دولتی جای استثمار مالک شده است . انبوه خوش‌نشین‌ها چیزی بجز قرضهایشان ندارند که از دست بدهند . همین‌هاست که آمادگی انقلابی بوجود می‌آورد . روستائیان وضعشان بدتر و بدتر میشود . تنها راه مبارزه راه انقلاب مسلحانه توده‌ای باقی میماند .

دادستان صحبت را قطع میکند : " چون دادگاه‌علنی است از اختیارات قانونی خود سوءاستفاده میکنید و مطالب را تحریف و بمقدسات اهانت میکنید " .

رجوی - آقا دادگاه رئیس دارد . مگر نوبت شماست که حرف میزنید . دفاعیات ما همه در رفع اتهامات مذکوره است . بقول خودتان جلسه‌ها علنی است مگر ما حرف منافی اخلاق زدیم ؟

دادستان - اگر ادامه‌دهید تقاضای سری بودن دادگاه را خواهم کرد .

در عکس سفیر و کاردار الجزایر همراه با برادران دیده میشوند



مصاحبه کیهان با یکی از رهبران سازمان
مجاهدین خلق ایران
مسعودی رجوی
سقوط دیکتاتوری قدمی از راه طولانی
انقلاب ماست

مسعود رجوی یکی از اعضای برجسته " سازمان مجاهدین خلق ایران " روز پنجشنبه و پس از بازگشت آقای خمینی به ایران با " کیهان " به گفت و گو نشست رجوی که تنها باز مانده اعضای " کمیته مرکزی " سازمان مجاهدین خلق ایران است نقطه نظرهای سازمان را در مورد جمهوری اسلامی ، رابطه با مارکسیستها ، آزادی زنان ، چگونگی رابطه با کارگران و وسایل تولید ، و سایر عوامل ایدئولوژیکی و عملی سازمان در مواجهه با روایدهای ایران شرح داد . کلام رجوی ضرورت اتحاد و اتفاق و وحدت بیش از پیش را در بین تمام گروهها و اقشار ، حتی با دیدگاههای ایدئولوژیکی مخالف و متفاوت را بیان می کرد . متن این مصاحبه به این شرح است :

کیهان - جمهوری اسلامی به نظر شما دارای چه
 خصوصیات است و چه هدفی را تعقیب می‌کند؟
 رجوی - هدف بلندمدت یا افق تاریخی اسلام استقرار
 نظام اجتماعی توحیدی است که جامعه بشری را در مسیر
 تکامل تاریخی خود بجانب یگانگی کامل انسان با حاصل کارش،
 با طبیعت، با خودش و با کل هستی و مضمون و محتوی آنها
 رهبری می‌کند، بنابراین تمام موانع راه تکامل باید منتفی
 شوند. با اعتقاد به اصالت توحید کلیه بیگانگی‌ها تضادها و
 چندانگیهای شرک آمیز نیز بجانب وحدت باید سیر کنند.
 به این ترتیب کلیهٔ مرزبندی‌های استثماری و ناشی از بهره
 کشی فرومی‌ریزد و بشریت بطور جهانی از هرگونه قید و بندی
 که مانع تحقق و بروز استعدادهای عالیه اوست رهایی می‌یابد
 این یک‌رستگاری اجتماعی است که مطابق عقاید اصیل اسلامی
 (یعنی اسلام واقعی که همان تشیع انقلابی است) در همین
 جهان به فرزندانسان وعده داده شده و لاجرم تخلف‌ناپذیر
 است عدمای که به اعتقاد من بعنوان یک مجاهد و یک موحد
 تحقق آن طبعاً "بطور وجود شناسانه و به اصطلاح "انتولوژیک"
 بطور نهانی تنها در زیر چتر فلسفی توحید امکان پذیر است،
 چرا که در غیر اینصورت هر نقیصه غیر رئالیستی در جهان
 بینی و در دیدگاه بطور مستقیم یا غیر مستقیم جهت‌گیری
 وحدت‌گرایانه ما را "چه اجتماعاً" و چه فرداً به مخاطره
 می‌اندازد و یا ناممکن می‌سازد.

خلاصه بر حسب همین وعده است که دوران آنچه که در فرهنگ قرآن " قسط " نامیده می شود فرا میرسد ، دورانی که درمقایسه با آن بحق می توان تاریخ استثماری و طبقاتی کنونی را همان ما قبل تاریخ انسان تلقی کرد . قسط که نقطه عطفی در مسیر یگانگی و یگانه پرستی است مفهومی بسیار بالاتر و فرا گیرتر از عدل دارد . در حالیکه عدل میتواند یک مساوات ساده مکانیکی را نیز تداعی کند . قسط در کادر یکتا پرستی ، که وجود و جریان تکامل را هدفدار و با مقصد و مضمون تبیین می کند ، قرار گرفتن هر چیز و هر حقیقی است در جایی که نهایتاً " می بایست قرار می گرفت . یعنی همان ناموس فطری وحدت گرایی هستی شناسانه ای که تمام اشیاء و انسانها و جوامع ، خواه ناخواه آنرا تسبیح می کنند و در مجموع به سمت آن روان و شناورند .

به این ترتیب مادر یک نظام مطلقاً " توحیدی حتی مالک خود و کار خود نیستیم .

در چنان شرایطی حتی ادعاهای " به هر کس به اندازه کارش " نیز شعار عقب مانده و راست روانمایست ، زیرا مالکیت بیلی الاطلاق از آن خدا و درست خداست . زیرا هرامکان و استعداد و توانایی مادی و معنوی مطابق نقطه نظرهای توحیدی ، ودیعه و امدادی است در جهت تکامل و تعالی اجتماعی انسان .

بنابراین در دوران حاکمیت قسط که دوران تحقق جمیع

استعدادات و قوای پنهان بشری است معیار توزیع نعم مادی، نیازهای وحدت‌گرایانه تکاملی فردی و اجتماعی است به‌این ترتیب ناهمواریهای جامعه بشری هموار میگردد و تضادها به وحدت میل می‌کنند و مرزبندی‌های ستمگرانه جنسی، طبقاتی، ملی و نژادی و امثالهم تماما " فرو می‌ریزند و دیگر از جنگ و تجاوز و ستمگری و کینه و حسد و خبری نخواهد بود انسان هم بطور وجود شناسانه و فلسفی و هم بطور اجتماعی و نیز از لحاظ روانشناسی فردی غرق رحمت و وحدت می‌شود و به انسانی طراز مکتب و طراز تولید بالغ می‌گردد.

این مختصری بود از سیمای نظام اجتماعی توحیدی، مطابق آنچه قرآن و تشیع انقلابی از فجر بلوغ انسان در هیات اجتماعی‌اش وعده داده‌اند. وعده‌ای که البته برمبنای نهایت رشد تکنولوژیک و خرمی و آبادانی زمین که ضمناً " مشخص‌ترین درجات رشد قوای مولده و تسخیر طبیعت و نیروهای طبیعی از جانب انسان است تحقق می‌پذیرد و وعده‌ای که مستضعفان، یعنی نیروهای محروم و بالنده ضامن اجتماعی اجرای آن هستند.

اما از آنجا که اسلام با واقعیات و ضروریات اجتماعی و تاریخی برخوردی به اصطلاح " اتوپیک " و رویایی و ایدئ-آلیستی ندارد، ما نسبت به نحوه و زمان تحقق کامل این وعده از این نظام اجتماعی برخورد ساده‌اندیشانه‌ای نداریم چرا که کیفیات متعالی در هر قلمروی پس از گذار از مجموعه

کمیات پست تر، حاصل می‌شوند. از این نظر صرفنظر از تاریخی و بلند مدت اسلامی و توحیدی بایستی یک برنامه به اصطلاح حداقل را مورد توجه قرار بدهیم که البته راهگشای اهداف و نقطه نظرهای ایدئولوژیکی نهایی خواهد بود اما بعنوان یک برنامه حداقل که منطبق با ضروریات و الزامات اجتماعی - اقتصادی این مرحله از تکامل تاریخی جامعه ما باشد ما (مجاهدین) فکر می‌کنیم که هر نظام و به اصطلاح "فرمسیون" با صورت بندی سیاسی و اجتماعی - اقتصادی که بخواهد هویت اعتقادی واقعی اسلام را عرضه کند در مرحله و شرایط تاریخی که ما در آن حضور داریم با خصایص ضد امپریالیستی، و ضد ارتجاعی و ضد دیکتاتوری مشخص می‌شود و طبعاً "حداکثر حقوق دمکراتیک همه نیروهای مردمی را نیز رعایت میکند، خصوصیات آنکه افاده آنها در میدان عمل مسئولیت خطیر رهبری اسلامی در این مرحله است. البته این مسئولیت خطیر تاریخی به همین جا متوقف نشده و بعداً "نیز تا تشخیص الهم فالاهم و عمده و فرعی کردن مسایل و تضادها همچنان تانفی کامل هرگونه ستم و بهره‌کشی ادامه پیدا می‌کند پس از نقطه نظر اسلامی، رهروان انقلابی مستمر هستیم که یکی پس از دیگری تا قله توحید که همان تلاقی جاودانه با خدا باشد امتداد می‌یابد.

به این ترتیب ملاحظه می‌کنید که سقوط دیکتاتوری در ایران (که البته میتواند موقت هم باشد) فقط می‌تواند یک

قدم و تنها یک قدم از راه انقلابی طولانی که ما در پیش داریم محسوب می‌شود .

در اینجا اجازه بدهید کلمات تاریخی (پنجشنبه) امام خمینی در بدو ورود ایشان به میهن یادآوری کرده و عزم راسخ ایشان را در موضع ضد استعماریشان ستایش کنیم . ایشان تصریح کردند که تازه در آغاز راه هستیم فقط یک قدم برداشته‌ایم و گفتند که اکنون باید به محو سلطه خارجی و قطع نفوذ استعماری اجانب پرداخت . این یک رهنمود حیاتی و مهم است که بایستی آویژه گوش تمام خلق ما باشد .

براستی هم اگر مبارزه ضد دیکتاتوری ما دارای مضمون ماهیت ضد امپریالیستی نباشد نهایتاً " چه فایده‌ای دارد ؟ و آیا در حالیکه هنوز وابسته هستیم و من غیر مستقیم استثمار می‌شوم شکل گرایانه و فرمالیستی نخواهد بود اگر تنها به تغییر شکل سلطه خارجی دل خوش کرده و به همین قناعت کنیم ؟

کیهان - آیا درک انقلابی شما از اسلام مورد قبول همه است ؟

رجوی - می‌دانید که سایر مجاهدین خلق و من ، فقط دو هفته است که به همت فداکاریهای خونبار مردمان از اسارت درآمدیم . بنا بر این دقیقاً " نمی‌دانم این درک مورد قبول چه کسانی هست ، چه کسانی نیست . آنچه میتوانم بگویم این است که درک همه مجاهدین خلق ایران (صرف نظر از

آنهایی که بدلائل ایدئولوژیکی تصفیه شده‌اند و دیگر مجاهد نیستند) می‌باشد. ولی برای اینکه این سؤال بی جواب نمانده باشد بطور کلی می‌توانم بگویم که انتظار یک درک تماما " واحد از مکتبی به عظمت و پیچیدگی اسلام انتظار بیش از حد است. اختلافات به گفته قرآن در درون جامعه واحده بشر اولیه با بدی و ستمگری و استثمار آغاز شده و توحید اجتماعی اولیه را به چندگانگی و چند بارگی تبدیل کرده و لذا با پایان هر نوع ستم و بهره‌کشی نیز پایان خواهند یافت.

نقش انبیاء و مصلحین نیز هدایت جامعه به سمت پایان اختلاف و تثبیت و توسعه وجدانهاست به این ترتیب شیوه‌های مختلف زندگی و تربیت، بدلائل خصلتی و معرفتی متعدد به شیوه‌های مختلف برخورد و ادراک منجر می‌شود اختلاف و تضاد قومی نژادی و طبقاتی امثالهم ایجاد می‌شوند که از قضا ضرورت تکامل نیز می‌باشند ارا به تکامل از میان همین تضادها و اختلافات عبور می‌کند و بقول قرآن آیه ۱۳ سوره حجرات به "تعارف" یعنی آگاهی متقابل و ارتقاء شناختهای بشری در مجموع منجر می‌شود. به این ترتیب در حالیکه وحدت اجتماعی اولیه انسان در دوران کودکی و صباوت نژادش وحدتی بود در ناآگاهی و ما قبل بر ظهور و حل تضادها، وحدت نهائی در اوج اعتلای آگاهی و خردمندی و سلطه بر طبیعت، حول محور تقوای آزادی بخش و یگانه ساز پیش می‌رود،

همین تقوا که معیار ارجعیت تکاملی افراد و جوامع بر یکدیگر است .

بنابراین ما با توجه به تضاد اصلی مرحله کنونی رشد جامعه‌مان یعنی تشخیص درست بت و مانع اصلی را تکامل و و راه خدا باید بیشتر به وحدت‌های شناخته شده‌مان بر علیه این موانع بیندیشیم ، یعنی علیرغم هر اختلافی در عقاید و برداشتها و استنباطمان باید بر جنبه ضد استعماری و ضد امپریالیستی انقلابمان که بی شک مورد تایید همه نیروهای مردمی است تاکید کنیم این مهمترین و واجبترین قدمی است که اکنون می‌توان در راه پایان دادن به اختلافات برداشت بعداً " برای پرداختن به سایر مشکلات و مسایل وقت زیادی خواهیم داشت در عین حال که هرکس می‌تواند فقط با آنهایی که نظیراومی‌اندیشند پیوند ارگانیک و وحدت سازمانی داشته باشد . اما اگر شما جویای حقیقت ایدئولوژی و مکتب اسلام هستید و در مورد ترقیخواهی و انقلابی بودن ذاتی این مکتب تردید دارید من هرگز شما را در لابلای برداشتهای مختلف از اسلام معطل نخواهم گذاشت . زیرا مطابق نقطه نظرهای توحیدی رئالیستی ما مسلمانان ، نسبی‌گرایی (رلاتیویسم) و انکار حقایق یقینی قابل شناخت در خارج از ذهن را که به ایده‌آلیسم و پندار گرایی منجر می‌شود البته که محکوم است .

بنابراین شما (حتی فرضاً " بعنوان محققى که خودش

ممکن است مسلمان نباشد) کاملا " حق دارید صرفنظر از برداشتهای نسبی این فرد یا آن فرد یا این گروه یا آن گروه جویای حقیقت اصیل اسلام شوید و در طی یک جریان شناسایی علمی و منطقی نیز به درستی به آن واقف شوید اما برای ساده کردن کار و پرهیز از بحثهای پیچیده و گسترده، تئوریک می توان به سراغ عملکرد نمایندگان و سببهای اصیل اسلامی یعنی خود پیامبر و علی علیه السلام و سایر ائمه رفت و اسلام را مستقیما " در آنها آزمود .

مثلا " علی علیه السلام را در نظر بگیریم که بمحض زمامداری در نخستین بیانیه خود بر پایگاه اجتماعی ارتجاع اموی که اساسا " همان اشرافیت زمیندار وقت هستند بر می خورد و سوگند می خورد (خطبه ۱۵ نهج البلاغه) که املاک مربوطه را ولو که در کابین زنانشان باشد باز خواهد ستاند و به نفع دهقانان محروم صادره خواهد کرد (همین کاری که امروز هم یک رهبری اسلامی در رابطه با پایگاه داخلی امپریالیسم یعنی اعوان و انصار دیکتاتوری و سرمایه داری وابسته انجام خواهد داد) . چرا که از دید علی علیه السلام در همین خطبه بر حسب آموزشهای اسلامی گشایش و توسعه و نابرابر و غیر عادلانه، اقتصادی جامعه مردود است و تنها راهی که باقی می ماند راه انقلابی توسعه عادلانه اقتصادی از طریق بسیج توده های و روی کردن به طبقات محروم است . بنابراین باید تاکید کرد که از آنجا که حقیقت هر چیزی

مربوط به تمایل فردی یا گروه بخصوصی نبوده و حتی به رای گیری دموکراتیک نیز منوط نیست ، بله ، می توان حقیقت اسلام را در سیمای نمایندگان و رهبران راستینش ملاحظه نمود . بنا براین ما هرگز نباید مغلوب تبلیغات امپریالیستی مغرضانهای که سعی دارد چهره اسلام را ارتجاعی جلوه دهند بشویم . این مطلب در مورد یک گروه یا سازمان نیز از جهات مختلف مصداق دارد . مثلاً " در مورد خود ما (مجاهدین) می دانید که چون مجاهدین از پرستیژ اجتماعی و محبوبیت مردمی برخوردار بودماند ، افراد و دستجات مختلفی چه جاهل و چه مغرض ، چه فرصت طلب یا ارتجاعی سعی کرده اند با انتشار مطالبی بنام مجاهدین به سوء استفاده شخصی یا گروهی پرداخته و چهره سازمان و ایدئولوژی و شهدای آن را خدشه را کنند اقدامات انتشاراتی که چه بخاطر آثار تفرقه افکنانه آنها در میان نیرو های مردمی و به دلیل نقض بنیادهای عقیدتی مجاهدین با تجدید نظر در آنها (یعنی چه از موضع چپ نمایی و چه از موضع راست) چه بسا در صورت ادامه آنها مجبور به افشای تک تکشان گردیم مگر آنکه به راه خود بروند و بیش از این از نام مجاهد سوء استفاده نکنند . در اینصورت ما برای مبارزات ترقی خواهانه تمام آنها احترام قائل بوده و خواهیم توانست چنانکه باید با ایشان رفتار کنیم .

کیهان - این نوع حکومت (اسلامی) در رابطه با

مسائل اقتصادی کارگران ، زنان ، ابزار تولید و بانکها چگونه عمل خواهد کرد .

رجوی - چنانکه قبلا " هم اشاره کردیم و تا آنجا که من می فهمم فعلا " مادر گیر یک انقلاب ضد امپریالیستی هستیم که با شرکت تمام طبقات و اقشار نیروهای وابسته به آنهاست پس طبیعتا " مساله ملی بر مساله طبقاتی حالا تقدم دارداما همین انقلاب اگر تا پایان درست هدایت شود و سمت بالنده داشته و آینده تاریخی مستضعفین را مد نظر داشته باشیم . در جریان تکامل خود شکافها و تضادهای میان طبقات مختلف را بسیار تخفیف می دهد و چه بسا در مراحل بعدی نیز اختلافات دیگر بطور غیر متعارض امکان حل بیابد .

توضیح می دهم که منظور از مستضعفین چنانکه در قرآن در سوره قصص تشریح شده آن نیروهای اجتماعی تحت ستم و ضعیف داشته شدهای هستند که نهایتا " در انقلاب نقش رهبری کننده (به لحاظ اجتماعی) داشته و زمین را به ارث خواهند برد . از این نظر آنها با دو ویژگی مشخص می شوند .

۱ - تحت ستم بودن و استثمار شدن

۲ - بالندگی

بنابراین ترکیب کارگر و دهقان و بطور اعم تمام زحمتکشان در مقطع کنونی تاریخ رمز بنیادین اجتماعی تداوم و استمرار ضد استثماری انقلاب ماست . انقلابی که از نظر اقتصادی باید به آهنگ مناسبی تدریجا " راه دراز میان اصالت

سود و سود پرستی و انگیزه‌های منفعت طلبانه شرکت‌آمیز را تا یگانگی پرستی کامل اجتماعی با گامهای استوار طی کند ، به چند گانگی‌های اجتماعی ناشی از سود پرستی پایان دهم و انگیزه‌های متعالی معنوی و ایدئولوژیک را تدریجا " جانشین انگیزه‌های مادی نماید . ما در این مورد به گفته قرآن از ابراهیم پیامبر علیه السلام الهام می‌گیریم که می‌گفت : " همانا که بجانب آفریننده آسمانها و زمین روی می‌گردانم (یعنی مطلق تنبحد و یگانگی) ، من حنیف هستم و از مشرکین و چند گانه پرستان نمی‌باشم " بنابراین ما به یک دگرگونی رادیکال و ریشه‌ای در کل مناسبات اجتماعی معتقدیم که طبعاً " جایی برای بانکهای استعماری و غارتگر در آن نخواهد بود .

شرکت گسترده زنان

اما در مورد زنان باید کمی بیشتر توضیح دهم ، بخصوص که یکی از بارز ترین وجوده جنبش مردمی اخیر ما شرکت گسترده و فعال خواهان مجاهد و مبارز ما در آن است چیزی که واقعا " هم جای تبریک و تهنیت دارد حال اینکه معمولا " دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی تلاش دارند چهره انقلاب ما را با انگ ارتجاعی آلوده کرده و مثلا " چنین وانمود کنند که گویا اسلام با آزادی زنان مخالف است حال اینکه در اسلام ارجعیت مرد وزن بر یکدیگر نیز جز با پرهیز کاری و تقوای رهایی بخش و یگانه ساز سنجیده نمی‌شود (همان آیه

۱۳ سوره حجرات را یاد آوری می‌کنیم) .

در این جا خوبست به مقایسه‌ای بین حقوق فعلی فرانسه و حقوق اسلام دست بزنیم در حالیکه در اسلام زن از آغاز دارای استقلال اقتصادی بوده است در فرانسه هنوز هم (البته اگر اخیراً " عوض نشده باشد) زن از استقلال اقتصادی برخوردار نیست و مثلاً " به مجرد ازدواج ، خود بخود مقداری از مالکیت و دارایی‌اش به شوهر منتقل می‌شود . خلاصه می‌خواهم بگویم که حقوق و استقلال اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی زن در اسلام بطور کامل تعیین شده است تفاوت‌های جابرا نه میان زن و مرد در حقیقت چیزی جز نفوذ رابطه استثماری در ارتباط میان ایندوست . و رابطهای کهدر مسیر تکامل توحیدی جامعه و استقرار جامعه عاری از ستم و طبقات ، طبعاً " خود بخود تضعیف شده و به رابطه بارور عاری از اجبار و ستمگری تبدیل خواهد شد .

یک توطئه ارتجاعی دیگر بر علیه حیثیت انقلابی اسلام واقعی اینست که می‌خواهند وانمود کنند که گویا اسلام در مواجهه با فسادهای اجتماعی یک سری اقدامات غیر ریشم‌ای را مثل آتش زدن محلات روسپی نشین ، چاره ساز می‌داند و به آنگونه اقدامات سطحی متوسل می‌شود . حال اینکه روسپی گری و مواردی از این قبیل ، جزئی از کل روابط و مناسبات بهره‌کشانه است که طبعاً " در مسیر یک اتمام ریشم‌ای بر علیه کل مناسبات اجتماعی حاکم ، ریشه‌کن می‌شود در همین رابطه

نمونه‌ای از صدر اسلام بسیار قابل توجه است. وقتی مصر آزاد می‌شود جناح دگماتیست و کوتاه بین به آتش زدن روسپی خانه‌ها اقدام می‌کند، ولی علی علیه السلام قویا " این اقدام را تقبیح و از آن ممانعت می‌کند، زیرا چنین برخوردهای قشری اصلا" در شان اسلام نیست و مسالما ی را هم بطور اساسی حل نمی‌کند.

همین جا اجارزه بدهید از آقای طالقانی در محکوم کردن آتش زدن محله شهر نو تهران در هفته گذشته که اگر به تحریک ایادی دشمن نباشد حتما " کار عناصر غیر مسئول و ناآگاه است تجلیل کنیم ایشان بدینوسیله نگذاشتند چهره" جنبشی با اقدامات قشری خدشه دار بشود.

کیهان - اصول ایدئولوژیکی شما در حال حاضر چیست، و چگونه عملی خواهد شد؟

رجوی - هویت مجاهدین خلق ایران که بصورت مختصر در بیانیه اعلام مواضع ما در قبال جریان انحرافی چپ نما که در فاصله پاییز ۵۴ تا پاییز ۵۵ مدون شده است هفته گذشته در مطبوعات تهران منعکس شد مادر همان خطوط بنیادگذاران سازمان در سال ۴۴ هستیم.

کیهان - نظر شما در مورد مارکسیستها و احزاب چیست؟
رجوی - اولاً " باید بگویم که ما اسلام را در موضع راست نمی‌گذاریم و هیچ نقد و راست گرایانه و ارتجاعی اعم از سایر مکاتب و ایدئولوژیها بعمل نمی‌آوریم منظورم اینست که

انتقادات و تضادهای ما با سایر مکاتب از یک موضع سنتی راست نیست و انگهی ما به دستور قرآن که در تمام مناسبات و روابط فردی و اجتماعی به عدل و قسط حکم می‌کند ، بتمام مبارزات ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی ، و ضد استثماری احترام گذاشته و حقوق دموکراتیک هیچ گروهی را ضایع نمی‌کنیم . این طرز برخورد عالیتیرین دفاعی است که می‌توان از اسلام بعمل آورد .

کیهان - آینده ایران را چگونه می‌بینید ؟

رجوی - بدیهی است که در چشم انداز کلی ، افق تمام انقلابات مردمی اکیدا " تابناک و درخشان است و تمام فتنه گریهای امپریالیستی و ارتجاعی ضد خلقی نقش بر آب خواهد شد . ولو اینکه بقول قرآن به چنان تجهیزات و فنی دسترسی داشته باشند که ... " کوهها را نیز بتواند از پا درآورده و زایل نماید

اما در چشم انداز موجود و بطور مرحلای از آنجا که تمام شرایط و مبانی عینی پیشرفتهای انقلابی آماده است ، بس آینده نزدیک و نحوه شکل گرفتن آن ، بوسیله عنصر آگاه و مسئولیت رهبری مشخص میشود اینجاست که روابط نیروهای مختلف بایکدیگر نقش فوق العاده حساس و تعیین کننده و کلیدی پیدا می‌کند و در همین جاست که نیاستی به فتنهگری های دشمن کم بها داد .

آنها نهایت تلاش خود را برای بجان هم انداختن

نیروها از هم و منحرف کردن مبارزه به گانالهای فرعی بعمل خواهند آورد . خلاصه امپریالیستها هر کاری که ممکن باشد خواهند کرد و با هر لباسی برای پیش بردن مطامع ضد انقلابی در خواهند آمد . در رابطه نیروها و گروههای مختلف با یکدیگر ضابطه صحیح و انقلابی این نیست که از هر کاری که مستقیم یا غیرمستقیم آب به آسیاب ریخته و مسیر اصولی مبارزه را منحرف کند ، بهره‌ریم اینهم مستلزم این است که آزادی عقیده و ابراز نظر و سایر موازین حق طلبانه دموکراتیک در مورد همه رعایت شود .

کیهان - در مورد تصفیه ارتش چه نظری دارید ؟

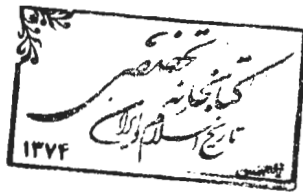
رجوی - مردم ما به یک ارتش مردمی نیازمندند یعنی روابط ارتش با مردم و روابط درونی ارتش (بین اقشار بالا و پائین) بایستی خصیصه مردمی پیدا کند . اینهم مستلزم یک دگرگونی بنیادی در وضع موجود نیست ، دیگر سینه مردم بیگناه و بی پناه آماج گلوله‌ها قرار نگیرد

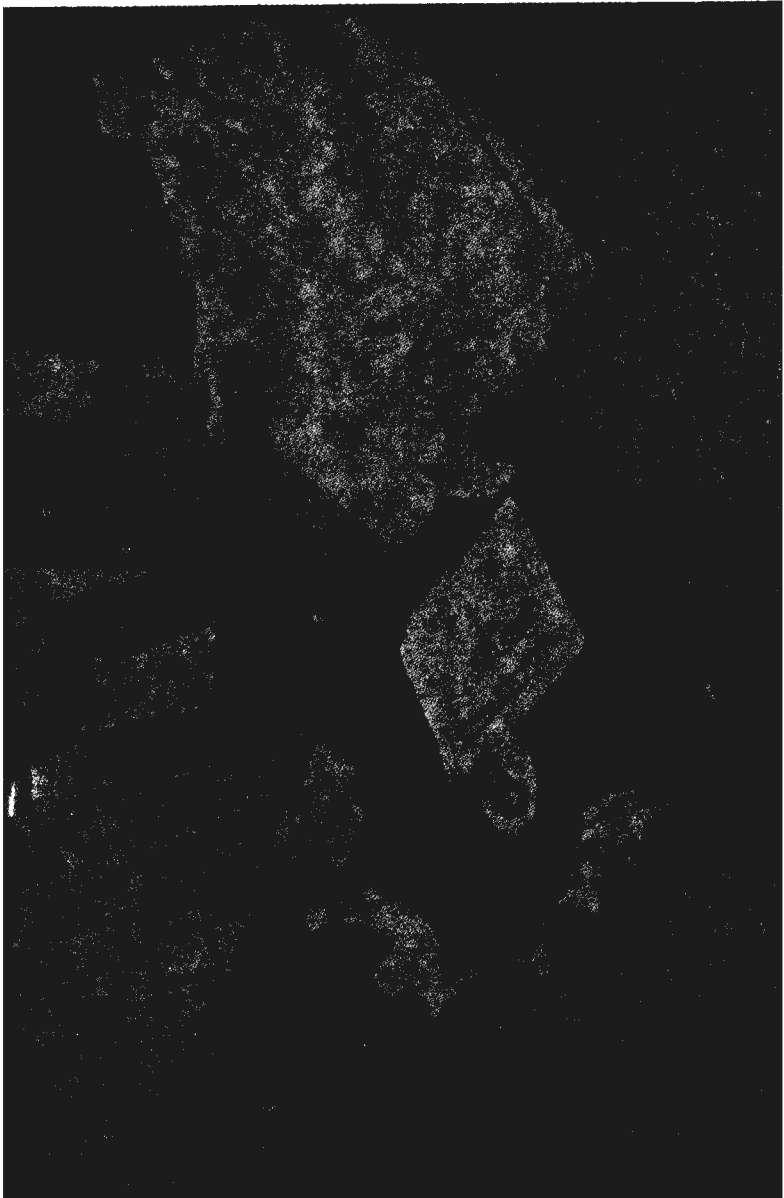
کیهان - با ورود آیت‌اله خمینی وضع را با ایستادگی

بختیار چطور می بینید ؟

رجوی - فکرمی کردم بختیار " بختیار " تر از آنست که در چنین شرایطی ماوریت ایستادگی در برابر اراده سهمگین خلق ایران را که در سختی و سازش ناپذیری آقای خمینی مجسم است بعهده بگیرد ! هنوز بیانات تاریخی آقای خمینی که امروز (پنجشنبه) چند ساعت پیش در سالن فرودگاه مهر

آباد ایراد شد در گوشم طنین دارد . آن کلمات ، فریاد رسای
مظلومیت و حقانیت تمام مردم ایران بود . بیائید دعا کنیم و
از خدا بخواهیم که به آقای خمینی سلامت و طول عمر عطاء
کند . مسئولیت اطرافیان ایشان را هم در حفظ سلامتشان باید
خیلی جدی گرفت .





فضل الله المجاهدين على القاعدين اجراء عظيما
پیام مجاهدین آزاد شده از زندان بحضرت
آیت الله العظمی طالقانی و سایر
عظام متحصن در دانشگاه
بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

پدر بزرگوار حضرت مجاهد اعظم آیه الله طالقانی
تحصن حضرتعالی و سایر آیات عظام و روحانیون
ارجمند در دانشگاه بخاطر اعتراض به ممانعت از ورود قائد
عظیم الشان و رهبر عالیقدر جنبش ما حضرت آیه الله العظمی
خمینی بار دیگر ثابت کردید مردم ما و بویژه روحانیت مجاهد
و حق طلب از فیوضات گرامانی چون حضرت آیه الله العظمی
خمینی و شخص آنحضرت بهره مند است ، قاطعانه تصمیم دارد
که بر قیام توطئه های ارتجاعی و امپریالیستی ضد خلقی فائق
گردد .

از این روفرزندان مجاهد شما که به تازگی در خاتمه یک
مرحله خونین مبارزات مردمی از بند رها شده اند اکتور سر-

فرازند که تحسین و تعظیم خود را از تحصن دلیرانه بشخص شما و کلیه آیات متحصن دیگر به عرض برسانند .
حضرت آیت الله العظمی فرزندان مجاهد شما که نخستین بار در مکتب تعلیماتی شما پرتو قرآن بر روح و قلبشان تابیده است فرصت را مغتنم شمرده و در رابطه با همین تحصن که یکی دیگر از فرازهای مبارزاتی آن حضرت است از جانب نسل جوان مسلمان که پیوسته تشنهٔ اسلامی پاک و اصیل و مردمی بوده است بطور اعم و از جانب مجاهدین خلق ایران بطور اخص (چه شهید و چه از بند رسته) مراتب سپاس و شکرگذاری خود را از ۴۰ سال مبارزه پی گیر و راهگشای آن حضرت در راه اسلام و خلق مستضعف بحضورتان تقدیم می کند .

سلام علیکم بما صبرتم فتم بحصبی الدار
با تقدیم مجدد مراتب احترام انقلابی نسبت به کلیه
آیات عظام و حجج متحصن از طرف مجاهدین آزاد
شده از بند :

مسعود رجوی — موسی خیابانی



پیام مجاهدین آزاد شده از زندان
بدانشجویان دانشگاه مشهد بمناسبت برگزاری
هفته تجلیل از شهدای خلق
بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

خواهران و برادران ، درود گرم مانثار شما که با مبارزات
مستمر خود دانشگاه این سنگر آزادی و استقلال را هیچگاه
خالی ننمودید و با پایداری خود آرمانهای خلق را پیش
بردید .

در طول یکسال اخیر با پیوند خوردن عناصر آگاه و
توده‌های خلق در مسیر مبارزات پر ثمر خلق قهرمانان به
رهبری آیت‌المعظمی خمینی خلق ما آمادگی انقلابی خویش را
در مبارزه نشان داد . همان آمادگی انقلابی‌ای که بنیانگزاران
سازمان مجاهدین خلق ایران با اتکاء بر آن سازمانی را بنیاد
نهادند که با اعتقاد به مبارزه مکتبی در چهار چوب جهان
بینی توحیدی راه‌گشای مبارزات نوین خلق باشد و مبارزات
خلق قهرمان را در حرمت استقرار جامعه توحیدی (قسط)

رهنمون باشد و در این راه بسیاری از برادران مجاهد ما شربت شهادت را قهرمانانه نوشیدند و مبارزات اخیر خلق پیوند این شهیدان و آرمانشان را با خلق قهرمانان نشان داد .

تجلیل شما از شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران نشان دهنده ایمان و اعتقاد شما به راهی است که آنان جان خود را به خاطر آن فدا کردند و همچنین تداوم این راه علی‌رغم همه ضربات گذشته و سختی های آینده است .

با درود به شما که با تلاش خود دانشگاه را به صحنه پرشورترین مبارزات مردمی در آورید و تحصین همه را بر انگیختید . آروز داریم در مراحل آینده نیز با هوشیاری و آگاهی انقلابی همه تلاشها و ضربات را برای تفرقه افکنی و بازداشتن نیروهای از مبارزه خنثی‌نمائید و همگام با توده‌های خلق هر چه بیشتر به سمت استقرار جامعه توحیدی که آرمان مجاهدین خلق ایران است گام بردارید .

درود بر همه شهیدان خلق

از طرف مجاهدین آزاد شده از بند :

مسعود رجوی - موسی خیابانی



در این عکس مسعود رجوی را همراه با سفیر سوریه و
سفیر الجزایر در سفارت فلسطین می‌بینیم .

بسم الله الرحمن الرحيم

پاریس محضر مبارک مجاهد اعظم حضرت آیه الله
العظمی خمینی .

جنبش عظیم و شکوهمند خلق ستمکشیده ایران که از
فیض زعامت آن حضرت برخوردار است در مسیر پیشرفت و
شکوفائی دم افزون خود به دستاوردها و پیروزیهای قابل
توجهی رسیده است. آزاد شدن فرزندان مجاهد شما از زندان
های رژیم جبار و ستمگر ایران یکی از کوچکترین این پیروزی
هاست. بنابراین ما آزادی خود را مدیون مجاهدتها و
جانفشانیهای خلق رزمنده ستمکشیده ایران در پرتو الهامات
آن زعیم استوار و سازش ناپذیر هستیم .

از اینرو فرزندان مجاهد شما در بدو آزادی از زندان
جسارت کرده و این اجازه را بخود دادند که ضمن عرض سلام
و درود به حضور آن پدر - مجاهد اعظم مراتب آمادگی و
جانبازی خود را کماکان در راه آرمانهای توحیدی مکتب
انقلابی اسلام که ایدئولوژی مجاهدین خلق ایران است به
پیشگاه معظم تقدیم کنند .

اکنون که مردم قهرمان ما با مجاهدات فراوان توانستمانند
تحت ارشادات آنحضرت کاخ عنکبوتی و سست بنیاد دیکتاتوری
را واژگون کرده و در طلایع صبح پرشکوه آزادی قرار گیرند ،
آرزومندیم که این خلق رنج دیده بتواند در مسیر انقلاب
رهائی بخش خود که رهگشای نظام اجتماعی توحیدی عاری
از ستم و استثمار است بر تمام توطئه‌های خود که رهگشای
نظام اجتماعی توحیدی عاری از ستم و استثمار است بر تمام
توطئه‌های امپریالیستی که برای متوقف کردن پیشرفت انقلاب
و بازستاندن پیروزیهای خلق طرح ریزی می‌شوند غلبه کنند
و وعده الهی باز هم تحقیق پذیر که: استکبارا " فی العرض
و مکرا " سیئه ولا یحق المکر السیئه الا یاهله فهل ینظرون الا
سنه الاولین فلن تجد لسنه تبديلا و ان تجد لسنه الله
تحویلا همچنین امیدواریم که خلق و انقلاب ایران و طبقات
محروم و رنجبر جامعه ما که خداوند در قرآن کریم بنام
مستضعفین به آنها وعده پیروزی نهائی داده است همیشه
این سعادت را داشته باشند که آن وجود گرامی پیوسته در
پیشاپیش آنها بوده و از الهامات و ارشاداتشان برخوردار
باشند چراکه به سیره همه انبیا و اولیا و مکتب یکتا پرستی
بت شکنی و مبارزه با جمیع موانع عدل و قسط شیوه قدیم
آنحضرت بوده است . سلام علیکم و نعم عقبی الدار .
از جانب مجاهدین رها شده از بند مسعود رجوی
موسی خیابانی



پیام مجاهدین
به رهبری انقلاب فلسطین
رهبری انقلاب فلسطین برادر ابوعمار
یاسر عرفات — بیروت

بنام خدا و خلق قهرمان ایران . خوشبختیم که در
بدو آزادی از زندانهای رژیم ایران که پیوسته از حامیان
اصلی اسرائیل در منطقه و جهان بوده است سقوط دیکتاتوری
در ایران را به شما و خلق عرب فلسطین نیز تهنیت گوئیم .
ما مجاهدین خلق ایران که از نزدیک در اردوگاههای
الفتح و رزمگاههای قهرمان فلسطین شاهد نبرد مرگ و زندگی
شما با دشمن نژاد پرست صهیونیست و مرتجعین عرب بوده
ایم بخوبی میدانیم که خلق در زنجیر شما تا چه حد از
همکاریهای همه جانبه رژیم ایران با صهیونیستها و تسلیم
طلبان عرب در رنج و عذاب بوده است رنج و عذابی که تمامی
خلق ایران نیز از آغاز تولد دولت اسرائیل این طفل نامشروع
امپریالیسم در منطقه در آن سهمیم بودماند زیرا مردم ما

هرگز نمی‌توانستند این جنایت را تحمل کنند که هواپیماها
تانکها و زرمپوشهای اسرائیلی با سوختی که رژیم ایران تامین
می‌کرد بر خواهران و برادران فلسطینی یورش ببرند بهمین
دلیل اکنون که در میهن خونبارمان جنبشی بزرگ برآمافته
و قانڈ پر افتخار آن امام مجاهد اعظم خمینی بارها بر قطع
هر گونه رابطه با اسرائیل پای فشرده است آغاز فرو ریختن
پشت جبهه ضد انقلابی اسرائیل یعنی رژیم وابسته ایران را
به انقلاب فلسطین تبریک می‌گوئیم .

برادر ابوعمار اگر امروز شما و همزمانتان خانه و خاکی
از خود ندارید که بر آن پای گذارید مردم ما که همیشه
انقلاب شما را با چهره فلسطینی و قلب عربی و اسلامیش
بطور ویژه‌ای گرامی و عزیز داشته‌اند برآنند تا در مسیر انقلاب
آزادیبخش ضد امپریالیستی و خود خانه و خاکشان را در
آینده‌ای نه چندان دور به پایگاهی برای شما تبدیل کنند و
این انقلابی است تا پیروزی، از اینرو می‌توانید مطمئن باشید
که تمامی نیروی انقلابی ترقیخواه ایران سازمان آزادیبخش
فلسطین را بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین
می‌شناسیند و از هرگونه تسلیم طلبی و صلح آمریکائی اسرائیلی
نیز متنفرند و کمکها و روابط صمیمانه و انقلابی الفتح با
انقلابیون ایران و بویژه ما مجاهدین خلق ایران پیوسته‌ایه
مسرت و سپاسگزاری ما و خلقمان بوده است .

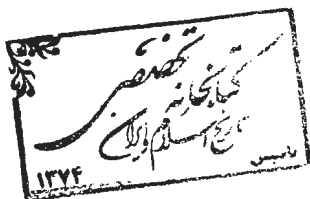
منجمله بیاد می‌آوریم روزی را که الفتح در آذر سال

۱۳۵۰ دسامبر ۱۹۷۱ میلادی قویا "بخاطر دستگیری و مجازات
مجاهدین که یکی از اتهاماتشان شرکت در اردوگاههای
فلسطینی بوده اعتراض نمود .

با سلام به انقلاب و خلق قهرمان فلسطین بویژه
خواهران و برادران رزمنده فلسطینی مادر سرزمینهای اشغال
شده!

از طرف مجاهدین آزاد شده از زندان :

مسعود رجوی - موسی خبایانی



نامه وحید لاهوتی (فرزند آیت الله لاهوتی)

به مطبوعات

بسمه تعالی

عاملی که باعث نوشتن این مطلب شد، لبریز شدن صبر من از دروغگوئی‌ها و خلافتکاریها و چون ماکیساول‌ها برای رسیدن به هدف از هرگونه بی‌شرفی و خیانتکاری خود داری نکردن بعضی‌هاست. نمی‌خواهم دست به تفسیر و تحلیل راجع به عملکرد یک فرد یا سازمان بزنم و گفته‌های من نیز دلیل براین نمی‌تواند باشد که من طرفدار حزب یا سازمان خاصی هستم، بلکه غرض از این نوشته فقط جواب به کسانی است که از روی غرض و به‌احتمالی خیلی ضعیف از روی نادانی دست به اعمالی می‌زنند که واقعا " برای من تعجب آور است. من باب مثال چندی قبل اعلامیه‌ای بدست من رسید که پس از مطالعه کمی به فکر فرو رفتم و تعجب من هم دلیل خاصی داشت زیرا نمی‌دانستم دم خروس را باور کنم یا قسم حضرت عباس را، چرا که مطالب اعلامیه دقیقا " با تمام چیزهایی که من خودم شاهدش بودم به‌کلی مغایرت داشت. در اعلامیه اشاره شده بود که مسعود رجوی را در دوران زندان شکنجه نکرده بودند من می‌خواهم فقط

عینیات خود را راجع به چگونگی زندان این شخص بگویم . البته باز هم متذکر می شوم مقصود من دفاع از مسعود رجوی نیست بلکه مقصودم دفاع از حقیقتی است که در مسعود مخصوصاً " در کیفیت زندانی کشیدن او نهفته است . اولاً " مسعود را سال ۵۰ با آن دسته ای که دستگیر کردند از همه بیشتر شکنجه دادند چرا که او از اعضای کادر مرکزی سازمان بود و کشف و پاشیدن سازمان از نظر ساواک بسیار حساس بود . به هر حال سال ۵۰ بعد از شکنجه های خیلی سخت او را به قصر منتقل کردند سال ۵۳ او را و همچنین عده ای دیگر را و همچنین خود من را به کمیته منتقل کردند که بعدها فهمیدیم که مقصود از آوردن رجوی به خاطر این بوده که او را هم می خواستند همراه خوشدل و چند تن دیگر اعدام کنند که یکی دو هفته قبل از مراسم اعدام خبر به برادرش در خارج رسید و با اقدام او بار دیگر مسعود از سعادت شهادت به دور ماند . وقتی زندی پور را ترور کردند ، بازجوهای کمیته تصمیم گرفتند عده ای از اعضای مذهبی در زندان را شکنجه بدهند و همین کار را هم کردند ولی مسئله ای که این وسط جلب توجه کرد شکنجه ی بیش از حدی بود که به رجوی دادند چرا که تمام مذهبی ها را فقط یکروز (۲۸ اسفند ۵۳) شکنجه دادند ولی مسعود را با اینکه همان روز این قدر شکنجه دادند که کارش به خونریزی شدید کشید و به قول یکی از بچه ها پنجه هایش عقب رفته بود زیرا چند بار متوالی او

را زیر آپولو (دستگاه شکنجه) بردند و نکته این است که او را دقیقاً "تا (۲۸ فروردین ۵۴) شکنجه دادند. یعنی دقیقاً" یک ماه و قطع آن باز دلیلش همان دلیلی بود که از اعدام او منصرف شده بودند. بعد از اینکه او را به اوین منتقل کردند، ۸ ماه بعد بار دیگر او و یکی از بچه‌ها (حیاتی) را به کمیته آوردند چرا که افراخته خائن گفته بود ممکن است رجوی اطلاعاتی داشته باشد و به همین دلیل رجوی را بعد از ۴ سال زندان بار دیگر به زیر آنچنان شکنجه‌ای بردند که براستی کمتر کسی این چنین شکنجه را دیده است. البته همانطور که قبلاً "هم‌گفتم مقصودم تبلیغ برای کسی نیست و مقصودم این نیست که از رجوی بت بسازم، بلکه بیشتر مقصودم بیان حقیقت و بیان مسائلی است که بر او در روزهای سخت رفته است شاید بتوان تا اندازه‌ای بدو واقعیات نزدیک شد به هر حال این گوشه‌ای از شکنجه‌های اوست که با گفتن نمی‌توان وصف کرد. حال از نویسندگان آن اعلامیه سوالی دارم.

شما یا با آگاهی، این مسئله را مطرح کرده‌اید و یا بدون آگاهی. اگر بدون آگاهی مطرح کردید، معلوم می‌شود آلت دست هستید و حتی گناه کبیره کرده‌اید چرا که تهمت زده‌اید و اگر با آگاهی گفته‌اید، که واقعا "منافق‌های بزرگی هستید و خداوند از شما نکذرد و یا گفته چرا دفاع نکرده و شاه را محکوم نکرده در حالی که او دفاعیاتی آنچنان جذاب بود و دادگاه را مات کرده بود که در سطح مملکت در آن دوران

خفقان دفاعیه رجوی بیش از آن چهار تن حتی از میهن دوست نیز بیشتر تکثیر شد و این نشان دهنده‌ی کیفیت دفاعیات او بود و می‌بینیم که حتی امروز نیز دفاعیات او را به شکل جزوه انتشار می‌دهند و نویسندگان منافق آن اعلامیه، برای اینکه حداقل در خفا پیش وجدان خودشان که فکر نمی‌کنم داشته باشند کمی خجالت بکشند می‌توانند جزوه را بخوانند حال تعجب می‌کنم اینها با چه روئی می‌گویند چرا او دفاع نکرد و چند اشکال دیگر از همین قبیل گرفته‌اند و یا گفته‌اند در ملاقات برای او تسهیل قائل می‌شدند در حالی که رجوی و بقیه دوستانش بیش از ۱۰ ماه تا یکسال در اوین نه تنها ملاقات نداشتند بلکه در سخت‌ترین شرایط بسر می‌بردند حال سخنی چند با نویسندگان اینطور اعلامیه‌ها دارم .

ای کسانی که وجدان را زیر پا گذاشته‌اید و همه چیز را به خاطر هدف کثیفتان زیر پا می‌گذارید اگر به مجاهدین اعتراضی دارید، مردانه حرفتان را بزنید و من نمی‌گویم که مجاهدین بی‌عیب و اشکال هستند بلکه حرفم این است که برای کوبیدن بعضی اشخاص، وجدان و شرف و دین را زیر پا نگذاریم چرا که روزی باید در قبر بخوابیم و روزی ما را محاکمه خواهند کرد و آن دادگاه مانند این دادگاهها شوخی بردار نیست، چرا که قاضی اش منتخب الله است .

به خاطر همان دادگاه و به خاطر آخرت هم که شده بیائیم کمی از غرور و خودپسندی و بیشرافی دست برداشته

و از پخش این جور اکاذیب خودداری کنیم . چرا که همه‌ی ما روزی خواهیم مرد و جدا از این ، خیلی کثافت و بیشرمی می‌خواهد که انسان دست به یک چنین اعمال کثیف بزند حال می‌دانم با نوشتن همین نامه عده‌ای انتقاد کرده و می‌گویند توهم طرفدار مجاهدین شدی ولی غافل از اینکه من طرفدار هیچ سازمان و حزبی نیستم ، چرا که معتقدم ما یک حزب داریم و آن حزب اسلام و قرآن می‌باشد و با علم به همین مساله که می‌دانم که عده‌ای خوششان نمی‌آید . ولی وظیفه دیدم که این مطالب را بیان کنم چرا که علی (ع) می‌فرماید حق را بگو اگر به ضرر تو نیز باشد .

وحید لاهوتی

بیانیه کانون زندانیان سیاسی

کارشناسان و کارگزاران جنگ افروزی و نفاق افکنی در میان نیروهای خلق ، اخیراً " حملاتی را به برخی از زندانیان سیاسی دوران پهلوی شروع کرده‌و آنان را به مبارزه طلبیده‌اند ، ولی اعلامیه‌های بی‌امضاء کوشش دارند به خیال خود حیثیت این مظاهر مقاومت را مخدوش نمایند .

کانون زندانیان سیاسی (ضد امپریالیست - ضد ارتجاع داخلی) هیچگاه مایل نبوده است که در جدالهای احزاب و سازمانهای سیاسی دخالت کرده و در مناقشات آنان شرکت نماید . به همین دلیل هم تاکنون در مورد بسیاری از مسائلی که بر " سازمان مجاهدین خلق ایران ، که بزرگترین بخش

زندانیان مذهبی دوره‌ی شاه، از اعضاء و هواداران آن بوده‌اند، گذشته و هرگز سخنی به میان نیاورده است.

ولی اخیراً " دیده می‌شود که عده‌ای تازه از راه رسیده برای از میدان بدر کردن این سازمان، از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که از نظر کانون زندانیان سیاسی نمی‌تواند بدون پاسخ بماند. لذا این کانون در حد وظائف و مسئولیتهای خویش فشار به "سازمان مجاهدین خلق" را که از طریق حمله‌ی ناجوانمردانه به مجاهد شجاع "مسعود رجوی"، هم زنجیر و هم بند سالیان دراز اعضای کانون صورت می‌گیرد محکوم می‌نماید.

"مسعود رجوی" طی بیش از هفت سال زندان همواره از جمله‌ی مهمترین سازمان‌دهندگان و اداره‌کنندگان مبارزات سیاسی درون زندانها بر علیه ساواک و پلیس آریامه‌ری بوده است.

وی در سخت‌ترین شرایط ترور و وحشت در شکنجه‌گاههای کمیته‌ها و این قصردر مقابل دژخیمان به بهترین نحوی مقاومت کرده و با دلاوری حماسی خویش، و به شهادت انبوهی از زندانیان سیاسی با فریادهای "نصر من الله وفتح قریب" روحیه‌ی مقاومت عمومی زندانیان را بالا برده است.

"مسعود رجوی" همچون برخی دیگر از زندانیان مبارز در بیدادگاههای شاه، محکوم به اعدام شد ولی به دلائلی که روشن است منجمله فشار جهانی به رژیم پهلوی بر علیه

اعدام های دسته جمعی و اخبار رژیم به تقلیل موقت تعداد کسانی که می‌بایست به میدانهای تر بروند، زنده ماند و به اصطلاح "عفو شد".

زندانیان سیاسی دوره‌ی استبداد شاهد بوده‌اند که چگونه رژیم همواره طبق قرار قبلی با ساواک تعداد بیشتری از زندانیان را به اعدام محکوم می‌کردند تا شاه جلاد با "عفو" آنان برای خود چهره‌ای انسانی بسازد و در عین حال به خیال خود شرافت آنان را لکه دار کند.

ما با درود به‌همه‌ی زندانیان رزمنده‌ی "سازمان مجاهدین خلق ایران"، انزجار خویش را از اقدامات ناجوانمردانه‌ی طرفداران جنگ‌های صلیبی اعلام کرده و آمادگی خود را برای دفاع از شرافت و حیثیت همه‌ی زندانیانی که در مقابل دژخیمان رژیم منفور گذشته سرخم نکردند اعلام می‌کنیم.

چندی است که عده‌ای معلوم الحال که حتی از امضاء کردن و نوشتن نام خود هم در زیر اعلامیه‌هایشان وحشت دارند و شجاعت معرفی خودشان را هم ندارند مشغول خیانت و ضربه زدن به افراد و گروه‌هایی هستند که برای مردم آگاه ایران کاملاً "شناخته شده و آشکار است".

درست بیاد دارم در سال ۱۳۵۱ که در خارج از کشور در یکی از بیمارستانهای شمال پاریس (لیل آدام) با یکی از برادران رجوی همکار بودم خبر اعدام مسعود بگوشمان رسید. ۲ نفر از برادران مسعود که در آنجا بودند به اتفاق

چند نفر دیگر از دوستان از همان لحظه شروع به فعالیت کردند و با مراجعه به شخصیت های معروف و مشهور علمی و حقوقی و سیاسی کشورهای اروپائی مانند ژرژ مارش - فرانسوا میتران - ژان پل سارتر و ژرژ پمپیدو و . . . بمب تلگراف و اعتراض به هیئت حاکمه ایران سرازیر گشت. این فشارها بعدی رسید که دستگاه بالاجبار نتوانست مسعود را اعدام کند. لذا قسمتی از خشم و کینه خود را با تهمت و افتراء بوی که در مطبوعات آن زمان درج کرده بود فرو نشاند.

چه کسی است که نداند مسعود در دفاعیاتش در بیدادگاه نظامی چه شوری در دل توده انقلابی ما بپا کرد و مقاومتش در مقابل جلادان و خونخواران رژیم سابق چه کینه ای از وی در دل نوکران رژیم بوجود آورده بود و این صدای پدر طالقانی است که هنوز در گوش ما ملت ایران طنین افکن است که می فرمود: "از اسم مسعود وجوی وحشت داشتند از اسم خیابانی وحشت داشتند". این خیابانی ها و رجوی ها بودند که چنین حماسه های غرور انگیزی آفریدند و این حماسه ها هرگز کهنه نخواهد شد و روز بروز درخشان تر خواهد گشت. بنظر من هر ایرانی که شناختی از افراد انقلابی و پرارزش ما دارد بایستی مغرضین را که در فکر انحراف افکار عمومی هستند افشاء کند و این مسئولیت بزرگ انسانی خود را تا حدی که امکان پذیر است و بنحو احسن به انجام رساند و چون من شاهد این واقعیتها بودم نتوانستم در رابطه با این

دکتر ۱۳۸

اتهامات ناجوانمردانه مغرضین کنونی ساکت بمانم . ضمناً
برای هر فردی این سؤال پیش می آید که این مغرضین بی
منطق و بی اصل روی چه معیاری باین اعمال چندش آور دست
میزنند؟ اگر اینان به استناد اراجیفی که حکومت شاه خائن
در روزی نامه هایش درج می کرده اینها را می نویسند که حالشان
معلوم است!! کسیکه مدعی است حکومت شاه خائن راستگو
بوده است در این برهه از زمان چه ادعائی میتواند داشته
باشد؟؟ راستی که چقدر وقیحانه است که کسی پس از انقلاب
هم سند افشاگریش نوشته های شاه خائن در مورد بهترین
فرزند مبارز و مسلمان این مرز و بوم باشد!!

البته اگر این جاهلان مغرض کوچکترین مدرکی یا نقطه
ضعفی از این پاک باختگان راستین ما میداشتند مدارک را
بزرگ کرده در روزنامه ها و بز درب و دیوار هر کوی و برزن
میگستردند و با بوق و کرنا بگوش ایشان میرسانیدند ولی چون
هیچگونه روزنه امیدی از این راهها برایشان نبوده است
دست به این جنایتها و تلاش های مذبحخانه زده اند - اینها
بدانند که مردم ایران دیر یا زود واقعیتها را در اثر اعمال
افراد در متن جامعه درک خواهند کرد و خائن را از خادم
تیز خواهند داد . و هرگز این مودیهای خطرناک رانخواهند
بخشید . چون کسیکه به مردم دروغ بگوید ، کسیکه به افراد
پاک مبارز تهمت روا دارد به ملک و ملت پشت کرده است و
آگاهانه یا ناآگاهانه مزدور استعمار و ارتجاعی گشته است .

پروفسور هادی ... استناد دانشگاه مشهد

